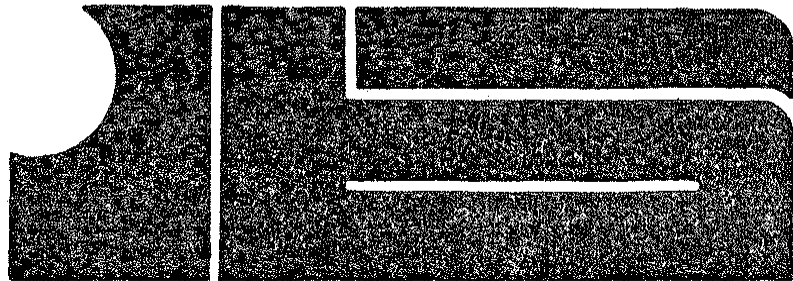


با تمام توان خود مساهمت  
ارتجاعی جنگ را افسا و بسا  
مقاومت مسلحانه خود از منافع  
زحمتکشان دفاع کنیم



کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۲ صفحه با ضمیمه - ۳۰ ریال

پنجشنبه ۱۵ آبانماه ۱۳۵۹

سال دوم - شماره ۸۳

# پرده آخر نمایش مبارزه ضد امپریالیستی حاکمیت!

"نابود یاد هرگونه وابستگی به امپریالیسم" خواستار  
ادامه انقلاب تا پیروزی نهائی شدند.  
توده های میهن ما که به حاکمیت اعتمادی ناشی از  
زودباوری و از روی ناآگاهی داشتند، چنین تصور  
می کردند که تسخیر جاسوخانه امپریالیسم آمریکا  
نقطه عطفی در جهت خواست واقعی آنها یعنی آغاز  
مبارزه های واقعا ضد امپریالیستی خواهد بود. اما  
بقیه در صفحه ۲

خیابانهای تهران نامدتها مطواز توده های  
نظا هرکننده های بود که با شور و هیجان کم نظیری  
احساسات ضد امپریالیستی خود را بنمایش  
می گذاشتند.  
در آن روزها کارگران زحمتکش میهن ما که پیگیر  
ترین نیروی ضد امپریالیست محسوب می شوند، با  
راهپیمائی های متعدد و با شعارهای "مرگ  
امپریالیسم آمریکا" "مرگ بر سرمایه داران وابسته"

در آبانماه سال ۵۸ هنگامیکه یکی از مراکز جاسوسی  
امپریالیسم آمریکا در ایران تسخیر شد، توده های  
زحمتکش میهن ما که سالها زیر یوغ و ستم و  
غارت امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم آمریکا  
قرار داشتند با این امید که از این نقطه مبارزه های حاد  
و بی امان علیه امپریالیسم آغاز شده است، با مشت  
های گره کرده و شعار "مرگ بر امپریالیسم آمریکا" به  
خیابانها ریختند.

## جنگی

### و مسئله گرانی

سرمایه داران همیشه بدنبال سود هر چه بیشترند و  
در نتیجه علاوه بر تشدید استثمار کارگران اجناس  
و کالاهای تولید شده، خود را به گرانترین قیمت ممکن  
می فروشند و روز بروز نیز بر قیمت های آن اضافه  
می کنند. بخصوص در دوران امپریالیسم که  
انحصارات بازارهای جهانی را قبضه کرده اند،  
بعلت دردست داشتن انحصار بازار تا میتوانند  
توده های زحمتکش را می چابند و غارت میکنند.  
گرانی و افزایش روز افزون قیمتها از عوارض جامعه  
سرمایه داری است و تا سرمایه داری برقرار است  
گرانی و افزایش سرمایه و ارزشها نیز هست. در کشور  
های وابسته ای چون ایران فشار و چندان می شود.  
در عین اینکه باید سود انحصارات و امپریالیستها  
تامین شود در این میان سرمایه داران وابسته همگی  
پایگاه داخلی امپریالیستها نیز می خواهند جیب خود  
را پر کنند. بقیه در صفحه ۵

## تشکیل ستاد تبلیغاتی

### شورای دفاع ملی

گامی دیگر در تشدید اختناق

وسسانسور

صفحه ۱۰

## تعاونی در جمهوری اسلامی راه حل نه شرقی. نه غربی برای حل بحران بیکاری

بیکاری اکنون یکی از مشکلات طاقت  
فرسائی است که هر روز بیش از پیش بر  
دوش توده های زحمتکش سنگینی می کند.  
بیکاری که ریشه در بحران اقتصادی  
حاضر دارد و نتیجه احتیاج نا پذیر  
نظام سرمایه داریست، پس از قیام  
ایجاد بسیار گسترده ای بخود گرفته  
است.

اگر در ابتدای امر هیئت حاکمه  
مدعی بود که چنین مسئله ای وجود  
خارجی ندارد و همه این خیل بیکاران  
خود را بیکار می زنند و توسط گروه های  
کمونیستی سیخ می شوند، اینک که آش  
آنقدر شورش شده که خواه هم فهمیده است  
کمتر مقام مسئولی را می توان یافت  
که خود آن را نپذیرد و نسخه ای برای  
حل ورع آن تجویز نکند.

شورای انقلاب جمهوری اسلامی نیز  
برای رهایی از این بحران چاره های  
مختلفی اندیشد و به تدابیری متوسل  
شده است آنها عبارتست از تلاش برای  
بقیه در صفحه ۷

## شوراهای

### دفاع محلی

دولت ایران در جنگ درگیر است ولی بنا بر  
ماهیت بورژوازی خود از توده ها و بخصوص از تسلیح  
آنان وحشت دارد. بهمین خاطر است که با وجود  
بر خورداری از پایگاه وسیع توده ای که همانا ناشی  
از توهم و ناآگاهی توده ها است و با وجود تشدید جو  
ناسیونالیستی و شوونیستی در اذهان مردم از تسلیح  
آنان میهراسد. بورژوازی میدانند که تسلیح توده ها  
به معنی آماده تر نمودن زمینه مرگ خود است.  
علی الخصوص که خلفهای زحمتکش ایران اینک پس  
از یک بار تجربه خلع سلاح از سوی دولت جمهوری  
اسلامی نسبت به این مسئله آگاهی زیادی کسب  
نموده اند. بقیه در صفحه ۹

## سالگرد انقلاب کبیر

### سوسیالیستی اکتبر

راه پرولتاریای سراسر جهان

تبریک می گوئیم. (ضمیمه)



## در این شماره

● اخبار کارگری

● ورشکستگی "کمیته مرکزی" و ...

● چرا دولت شوراهای محلی را ...

● اخبار شهرهای جنگ زده

تتها تسلیح توده ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله  
باهرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

### پسره آخر نمایش...

بصفا از صفحه ۱

گذشت زمانی چند لازم بود تا نمودها به بنجر بیست و نه دریا بند که هیئت حاکمه مسئله گروگانگیری را وسیله ای برای کنترل مبارزات توده ها، کنترل مبارزات و اقتصاد امپریالیستی - دمکراتیک کارگزاران و دهقانان، سلب حقوق و آزادیهای دمکراتیک توده ها و تحکیم موقعیت سیاسی خود قرار داده است. با گذشت یکسال از تسخیر لانه جاسوسی سرانجام پرده ها یکبار ده شد و نمایش مسخره و مضحکی را که هیئت حاکمه برای فریب توده ها آغاز کرده بود، با نمایشی مضحک تر در "مجلس شورای اسلامی" به پایان رسانید و سرانجام صحبت و سقم تمام بحلیلهای در مورد مسئله گروگانگیری و اهداف هیئت حاکمه از آن روشن شد. در حقیقت حاکمیت که در آبانماه گذشته، بازند بار صیاتی توده ها، رشید مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک آنها، عمق یابی و گسترش مبارزات طبقاتی، شکست مفتضحانه از خلق فهیمان کرد، موج محض، اعتصاب راهپیمایی قیامهای محلی، روبروند و بودومی رفت که بایست بحران عظیم روبرو شود، گروگانگیری را وسیله ای برای نجات خود از بحران، بحمیم و فریب توده ها و تحکیم موقعیت سیاسی خود قرار داد. اکنون این اهداف هیئت حاکمه و مآهیت آن تا بدان حد افشا شده است که حتی دانشجویان خط امام، قطب زاده، بزدی، بهشتی، رفسنجانی، خوئینی، وهمسه دست اندر کاران، آشکارا این اهداف را روشن می کنند. بهر حال پس از گذشت چند ماه هیئت حاکمه که با اهداف خود در این مورد دست یافته بود، دیگر نگاهداری جاسوسان آمریکائی را بی ثمر دانست و از همین روز مدتی پیش مذاکراتی را با امپریالیسم آمریکا برای آزادی جاسوسان آغاز کرد.

در تاریخ ۲۰ سپتامبر (۲۹ شهریور) مجلس "ایت دیز میدل ایست" که در انگلستان منتهی می شود، دز سر تیر خود نوشت "خبرنگار مخصوص ماضی کراری پرده از روی فعالیت های پشت پرده ای که برای آزادی گروگانهای آمریکائی (در ظرف ۶ هفته آینده) انجام گرفته برداشته است" در متن گزارش مجله "ایت دیز" آمده است.

مدت سه ماه مذاکرات سری بین وزارت امور خارجه آمریکا و وزیر امور خارجه ایران صادق قطب زاده در جریان بود که نتیجه آن نواقعی است که بین ایران و آمریکا بر سر گروگانها به عمل آمده است.

این محله به مذاکرات سری انجام شده اشاره می کند و می نویسد:

"مذاکرات از ماه زوش گذشته (چرداد - تیر) از طریق میانجی های اروپائی بین تهران و واشنگتن شروع شد، واقیعات بعدی نیز نشان می دهد که هیئت حاکمه در همان حال که شعار می داد، در پی مذاکره با امپریالیسم آمریکا بود.

نامه قطب زاده به مجلس که در آن بصراحت از آزادی گروگانها صحبت می کرد، حقایق را باز هم روشن نکرد. او در نامه خود آشکارا دلایل اصلی اقتصادی - سیاسی و نظامی آزادی گروگانها را مطرح می کند و ادامه آنرا بر زبان ایران میداند. قطب زاده این عامل سرسپرده امپریالیسم خواهان آزادی گروگانها، و تجدید روابط ایران و آمریکا می شود.

چیزی نگذشت که ناگهان آیت الله خمینی نیز در ۱۹ شهریور شرایط چهار ماده ای خود را برای آزادی جاسوسان آمریکائی مطرح کرد و بلاخره مجلس ما مورید که با ناطی مضحک شرایط آزادی جاسوسان آمریکائی را اعلام کند. رفسنجانی رئیس مجلس که قبلا اعلام کرده بود جنگ بین ایران و عراق جنگ ایران با آمریکا است، از آزادی جاسوسان آمریکائی دفاع کرد و مطرح نمود که مسئله گروگانها ربطی به مسئله جنگ ایران و عراق ندارد. تمام دست است اندر کاران جمهوری اسلامی هر یک بنحوی مسئله

آزادی جاسوسان را اعلام کردند و روزنامه جمهوری اسلامی که در درو غیرداری، سیادی و عوامفریبی بی نظیر است، ضمن سرفاله ای ماهیت واقعی خود را افشا کرد و با طرح آزادی جاسوسان آمریکائی به دفاع آشکار از امپریالیسم آمریکا پرداخت. و سرانجام "مجلس شورای اسلامی" با یک نمایش مسخره به هیئت حاکمیت و برهانه برای آزادی جاسوسان آمریکا بصوبت کرد.

مقاد پیشنهاد شده، با سکارترین وجهی اوج بونی هیئت حاکمه و ماهیت آن را نشان می دهد. در بند اول از امپریالیسم آمریکا، این سرکرده سمگران، عارنگران و جیاولگران جهانی خواسته شده است که عهد کند دیگر در امور داخلی ایران دخالت نکند. البته امپریالیسم جنایتکار آمریکا قول میدهد که هیچگاه در امور داخلی ایران مداخله نکند. امپریالیسم همیشه در حرف عهد می کند که هیچگاه در امور داخلی کشورهای دیگر مداخله نکند. اما مسخره است که کسی این بعهدهات و بضمین ها را باورد است. باید، تجاوز و مداخله، در امور کشورهای دیگر و عارت و ستم خلفهای تحت ستم در دات امپریالیسم و سیاستهای آن بهفهم است. این پیشنهاد بندان می ماند که از گرگ خواسته شود، که دست از دریده خوئی بردارد. اما نمایندگان مجلس آنقدر احمق نیستند که حتی، این مسئله روس را درک نکنند. هدف آنها روشن است، باز هم فریب توده ها، باز هم خیانت به خلق. حال بگردیم از این مسئله که در این بندینها مسئله مداخلات سیاسی و نظامی "آمریکا مطرح شده است، و صحبتی از مداخلات اقتصادی ابداً در کار نیست. هدف آن تهاوشن است، باز هم خیانت به خلق. حال بگردیم از این مسئله در بند دوم، جمهوری اسلامی ایران از امپریالیسم آمریکا میخواهد که تمام سرمایه های ایران را که پس از تسخیر جاسوسخانه امپریالیسم آمریکا بلوکه شده است، آزاد کند و بازگشت به شرایط عادی روزهای قبل از ۲۳ آبان در مورد کلیه روابط مالی فیما بین و رفع هرگونه اثرات ناسی از این دستور "را طلب می کند. این چگونه امتیاز نیست که دولت ایران در قبال آزادی جاسوسان آمریکائی گرفته است، مگر جز اینست که بلوکه کردن این سرمایه ها پس از گروگانگیری صورت گرفته و امروز دولت ایران بخواهد و نمنا خواهان آزاد شدن سرمایه های بلوکه شده است. آیا این را میسود امتیاز بحسب آورد.

ندوبین کنندگان پیشنهادات بهمین جایز اکفنا نکرده اند، آنها بازگشت به شرایط عادی روز قبل از ۲۳ آبان را "خواستار شده اند. این امر به تنها مطلوب ترین شرایط برای آمریکا است، بلکه دست دولت و تمام سرمایه داران وابسته داخلی را بار می گذارد تا با سانی روابط خود را با امپریالیسم آمریکا بسط و گسترش دهند، و امپریالیسم جهانی همچنان به مرعارت میهن ما و ستم بر خلفهای تحت ستم ایران ادامه دهند.

در بند ۳ - "لعو و ابطال کلیه تصمیمات و اقدامات اقتصادی و مالی علیه جمهوری اسلامی" خواسته شده است. همانگونه که میدانیم منظور تصمیمات و اقدامات اقتصادی و مالی امپریالیسم آمریکا پس از گروگانگیری است، که بهیچوجه بضع امپریالیسم آمریکا نبود بلکه امپریالیسم خواهان رواج و بسط اقتصادی و مالی گسترده سرمایه جمهوری اسلامی و بالنتیجه عارت و استعمار بیشتر خلفهای تحت ستم میهن ما بود. است و این نیز امتیازی محسوب نمی شود.

در بند ۴ نیز "باز پس دادن اموال شاه معسوم دوم مطرح شده است. در پاسخ به سؤال یکی از نمایندگان که پرسید "اموال شاه و خانواده او در آمریکا چه قدر است، آقای خوئینی ها پاسخ میدهد: "این اموال مسائلی است که مشخص نیست و دولت آمریکا موظف است بهر شیوه قانونی که در آمریکا دارد، این مقدار مشخص کند" پس در اینجا نیز امپریالیسم آمریکا است که باید مشخص کند اموال شاه معسوم دوم

چقدر است، و فعلا مشخص نیست. مجموع شرایط پیشنهادی را که در نظر بگیریم، می بینیم که این پیشنهادات کاملاً بضع امپریالیسم آمریکا است. اکنون توده ها پس از یکسال از تسخیر جاسوسخانه امپریالیسم آمریکا، بی می برند که حاکمیت به آنها دروغ گفته و آنها را فریب داده است.

حاکمیت با سکارترین وجهی خیانت خود را به خلق نشان داد. نه تنها به بهانه مبارزه ضد امپریالیسم توده ها را سربوت کرد، در جهت نابودی دستاوردهای قیام خونین خلق تلاش نمود و هر صدائی را در نقطه خفه کرد، بلکه تا تیرانی مخرب و منفی از مبارزه ضد امپریالیسمی در ذهن توده های ناآگاه برجای گذاشت، آنها امروز می بینند که پس از یکسال تحمل فشارهای متعدد، بیکاری، گرانسی، فقر و محرومیت، بنحود لخواه امپریالیسم مسئله جاسوسان آمریکائی حل می شود، بجز شعارهای بوج و میان نپی هیچ اقدام ضد امپریالیستی واقعی از سوی حاکمیت صورت نگرفت. آنها امروز می گویند که آیا مبارزه ضد امپریالیسمی همین بود؟ ما توده ها آگاه می شویم، توهم خود را نسبت به حاکمیت زودت میدهند، و خود را برای یک مبارزه ضد امپریالیستی واقعی آماده می کنند.

با "حل مسئله گروگانها" صحنه ای از نمایش برآوردی - کمیدی حاکمیت بی پایان میرسد و مردمی که تا شامی این صحنه نمایش بودند و گاهی هم در آن نقشی بازی میکردند، با این آگاهی رسیدند که مبارزه ضد امپریالیسمی در حرف و شعار و نمایشهای فرمایشی کارگردانان حاکمیت و نمایندگان سرمایه داران وابسته نیست بلکه مبارزه ای است فاطع که هدفش قطع هرگونه وابستگی اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی به امپریالیسم است و این امر تنها با رهبری طبقه تا با خرافات یعنی طبقه کارگر و پیشاهنگان امکان پذیر است.

در این رهگذرینها مرتدان "کمیته مرکزی" و حزب توده هستند که چون کودکان عقب مانده، مات و مبهورت با این صحنه آخرین می نگرند و برای بازیگران نمایش "ضد امپریالیسمی" مشتاقانه دست می زنند.

### چرا دولت شوراهای...

بخش ۱۰ صفحه ۱۰

مافع رحمکنان که مدافع سرمایه است، نهایت امتیازی که برای سوراها فائل ضیسود حق مشورتی است سعی می کند این سوراها را به نهاد همکاری با سرمایه تبدیل کند و از این رود را اطلاعیه صادره از ارکان اجرائی اس، سوراها و ستادهای خدماتی را که به منتهی از الگوهای ساخته و پرداخته دهنیسات دولت مردان سلطه را نیده مبارزه انقلابی رحمکنان است غیر قانونی اعلام میدارد و کسانی را که در جهت حقوق سوراها و واقعی توده ای عمل می کند، تهدید به دستگیری می نماید: "وزارت کشور طبق وظیفه قانونی به اطلاع میرساند که انتخابات سوراها شهر و محله باید طبق ضوابط مقرر به نظر وزارت کشور انجام پذیرد و با توجه اینکه لایحه مربوط به وظایف و آئین نامه سوراها در مجلس شورای اسلامی تحت بررسی است... وزارت کشور این فیصل اقدامات را غیر قانونی اعلام دانسته و کسانی که اقدام به این گونه امور کنند تحت بیکبرد قانونی قرار خواهد داد.

اما به مورد بیکبرد قانونی اقرار "دادن توده های رحمکنس و نیروی های انقلابی به بدوین لواجو آئین نامه های مربوطه و اقدامات ضد مردمی دیگر هیئت حاکمه، هیچ یک از جانب حاکمیت مدافع سربامه، سکت آور نیست. چرا که آگاهی توده ها، تکمیل شده است.

صلح شدن توده ها، آن چیزی است که حاکمیت از آن وحشت دارد.



## مبارزات کارگران لیفت تراک سازی و توطئه بی وقفه عوامل رژیم جمهوری اسلامی

را کور کرد. عوامل رژیم جمهوری اسلامی بامدیریت دست به یکی کردند و عزم خود را جزم نمودند که شورای لیفت تراک سازی و شکل کارگران پیشرو آگاه این کارخانه را متلاشی سازند. این سیاست با اعزام هیئت پاکسازی به بهانه تصفیه عناصر ضد انقلابی و ساواکی به مرحله اجرا درآمد و کارگران آگاه و مبارز لیفت تراک سازی را در سه دوره اخراج کردند و شورای کارخانه که مدافع خستگی ناپذیر حقوق پایمال شده کارگران بود منحل کردند. دایره این سیاست رژیم جمهوری اسلامی دامش سوراها و کارخانجات دیگر نیز برز خطه ماشین سازی را نیز فراگرفت و سوراها و کارخانجات نیز یکی پس از دیگری بدست جمهوری اسلامی

کارگران کارخانجات صنعتی نیز بعد از قیام مثل تمام کارگران ایران برای وصول به خواستها و مطالبات برحق اقتصادی و سیاسی خود وارد مبارزات شوارو پیچیده ای شدند در میان کارگران کارخانجات تراکتور سازی و ماشین سازی و سایر بخش های صنعتی نیز کارگران لیفت تراک سازی نقش بسیار ارزنده و پراهمیتی را ایفا کردند. کارخانه لیفت تراک سازی مبارز پیشقدم در میان کارخانجات ماشین سازی و سایر طحقات آن بود و درست به همین دلیل لیفت تراک سازی مبدل به کانون حاد مبارزه طبقاتی گشته بود. شعله های مبارزه همولا از این بخش زبان می کشید و به ماشین سازی و تراکتور سازی و کمبید رورایت میگرد. شورای لیفت تراک سر مشق مبارزه و تلاش های بیکی در راه منافع طبقاتی کارگران صنایع نیز بود و به جرات میتوان گفت که قلب سوراها و نیز در لیفت تراک سازی می طپد و بی جهت نبود که مسئولین رژیم جمهوری اسلامی تمام توجه خود را بر روی این کارخانه و شورای آن متمرکز کرده بودند و تمام حرکات و سکنات سورا را به دقت نظاره میکردند. آنان به درستی میدانستند که شورای لیفت تراک سازی الهام بخش سوراها و دیگر است. بنا بر این آنان را این فکر سمج حتی برای زمان کوتاهی هم آرام نمیکند است که برای خشکاندن چشمه باسد سر چشمه

نابودند و بجای آنها نهاد های فرماینی انجمن اسلامی جایگزین گشته و صحن کارخانجات نیز بر عرصه خود سربها و ترکیاری های مدیریت های سرسپرده به رژیم مبدل گشت. اما مبارزات کارگران هنوز هم بعد از سه دوره تعلیق و اخراج خاموش نگه داشت و خواهد گشت. مدیریت کارخانه و استانداری و امام جمعه و رئیس دادگاه های جمهوری اسلامی به بر سر اصل موضوع بلکه بر سر شیوه سرکوب و خفه کردن مبارزه کارگران و به گمان واهی خود برای رهایی از شر همه و هر گونه مبارزه برای همیشه با هم اختلاف نظر و کشمکش دارند.

در تاریخ ۲۰/۷/۵۹ هنگامی که کارگران میخواستند کارخانه را به قصد منازل خود ترک کنند معاون مدیر عامل اطلاعاتی را برای کارگران قرائت کرد که در آن خطاب به کارگران می گفت که به علت نبودن فشار هوا و برق و باز سازی و تعمیرات لازم و هم چنین تصفیه افراد سرسپرده!! کارخانه به مدت ۱۰ روز تعطیل خواهد بود. کارگران پس از شنیدن این سخنان بنا به تجارب قبلی خود بیدرتک متوجه شدند که منظور از این تعطیل اجباری و سایشی توجیهات پوچ چیست و در پشت آن چه نیرنگی خوابیده است. کارگران در همان لحظه میخواستند دست به تحصن بزنند و محیط کارخانه را ترک نکنند اما بدلیل موقف نشیوند فقط در آن لحظه کار باخشم و اعتراض پایان می پذیرد. اما همانطور که ساره کردیم علیرغم تضاد میان مدیر عامل و مدیر تولید آنها معتقد بودند که برای خاتمه دادن به هرج و مرج و اخلاص در تولید و اعتصاب و شورش های

احتمالی بهار از چهارهستن در کارخانه و سپس اخراج تمام کارگران و کارمندان آگاه، مبارز و حق طلب (اخراج پسران) و اسفاده از افراد نا آگاه و جاسوس از جهاد سارندکی امیاسد. آن ها خود عواقب و مسئولیت این طرح را به گردن گرفتند. اما از سوی دیگر معاون استاندار و مسئول کارخانجات نیز بر سا طرح و نقشه مدیر عامل تولید به مخالفت بر می خیزند با این استدلال که فعلا صلاح نیست و جنگ است و اقدام به این عمل نقویت ضد انقلاب و اخلاص در جنگ خواهد بود. قضیه ظاهرا فیصله پیدا میکند و بعد از پنج روز تعطیل اجباری کارخانه معاون استاندار و مسئول کارخانجات نیز بر می خیزند و کارخانه می آیند و از کارگران حاضر در کارخانه دعوت به کار میکنند و ضمناً به کارگران حاضر میگویند که از روز شنبه به سرکارها ایشان بیایند کارگران که هنوز تب سوزان مبارزه شور رهایی در وجود آنان زبانه میکشد اما بعلت پراکندگی و عدم تشکل که ناشی از سازشکاری ها و پشت کردن "کمیته مرکزی" به منافع کارگران بوده است بر خلاف تعالی درونی خود نمی توانند حرکتی را بسزای جلوگیری از تعطیل کارخانه در آینده سازمان دهند. اما با وجود اینها کارگران با این توطئه ها جانزد و به مجرد باز گشت به کارخانه دست به اعتراض میزنند و مدیر عامل را مورد استیضاح قرار میدهند مدیر عامل توطئه تعطیل و اخراج کارگران آگاه را شایعه و دروغ قلمداد می کند. و دلیل این عمل را راه اندازی تدریجی کارخانه که بر مبنای آن کارخانه باید تیرش کار خود را آغاز و بند ریج بقیه را به سر

کارهای خود فرامی خوانند توجیه کرد. دومین علت را مدیر عامل به کوبه ای موهن و ستم آور خطاب به کارگران جنس اعلام کرد: کارگران بدانند که هنگام جنگ است دیگر برای کارشکنی و کم کاری و سلی، پاکسازی در میان نخواهد بود بلکه این قبیل افراد مستقیماً با دادگام های انقلاب طرف خواهند بود!! اما کارگران همانطور که از روی تجربه خود و شناختی که از ماهیت مدیران و عوامل رژیم جمهوری اسلامی داشتند به درستی دریافته بودند که این عمل جزیک توطئه برای درهم شکستن اتحاد و همبستگی کارگران لیفت تراک سازی که چون خاری در چشم دشمنان کارگران فرو میبرد نمیتواند باشد. وقتی کارگران بعد از سه روز به سرکار خود بر میگرددند از اینکه نه ما شین جدیدی نصب شده و نه تعمیراتی صورت گرفته و نه بر طرف ساختن نواقص و نارسایی ها و نه هیچ کار دیگری، دچار شگفتی میشوند، زیرا از قبیل علت این نقشه ها را کشف و باز شناخته بودند. آنچه که شایان توجه است عدم اعتماد اکثریت کارگران به عوامل رژیم جمهوری اسلامی (چه مدیریتی که کاسه داغ تراز آش است و چه استاندار و رئیس کارخانجات نیز که دایه دل سوز تراز مادر هستند) در مبارزه طبقاتی نشان است که نوید روشنی بخشی است برای کمونیستهای صادق و سار خاطری برای اپورتونیستهای دیروز و سوسیال شونیست های امروز که در ریغاد دیگر نمیتوانند کارگران را با لظیف الحیل و انواع فریب و نیرنگ از مبارزه علیه رژیم ضد امپریالیست و انقلابی باز دارند!

حاکمیت را در مقابل توده ها افشانند. بعنوان مثال در آبادان - خرمشهر و اهواز زمین بر اثر کنده شدن حدود یک متر به آب میرسد و سنگر کندن کاری بس مشکل میباشد. میتوان لزوم حفر سریع سنگرهای مستحکم توسط بولوروسایل سنگین دولتی را در توده ها تبلیغ نمود. مسلماً از آنجا که جانز حمنگشان کوچکترین ارزشی برای دولت حامی سرمایه داران ندارد میتوان در توده ها و طرح این خواست از سوی توده ها، ماهیت ارتجاعی حاکمیت را افشانند. ۲- "کمیته مرکزی" با اتخاذ سیاست شوونیستی به دنبال روی محض از بورژوازی و ارگان های آرکشید شده است. ما باید در عین افشای این سیاست با تبلیغ سیاستهای اصلی خود و با بدست گرفتن رهبری و همزبونی تشکلهای توده های در عمل اولاً از تسلیم نمودن این تشکلهای ارگانهای سرکوب و وادار نمودن توده ها به دنبال روی از بورژوازی جلوگیری کنیم. ثانیاً سعی در جذب نیروهای صادقی که به دنبال روی از "کمیته مرکزی" کشیده شده اند، نمائیم. ۳- عمدتاً به تجربه ثابت شده که به خصوص در مناطق جنگی افسار مرده شهری نه تنها در جنگ شرکت نمیکند بلکه با تمام توان خود راه گریز در هر شرایطی را در پیش میگیرند در نتیجه نیروهای هوادار باید عمدتاً نیروی خود را در محلات زحمتکش نشین و یا در رابطه با افسار متوسط کارگیرند تا از اتلاف آن جلوگیری شود.

جنگ و بخصوص در مورد عدم شرکت نیروهای مترقی و فرار آنها نه تنها در آنها اثری ندارد بلکه شدت به شناخت ماهیت حاکمیت کمک میکند و اثر این شکل از سازماندهی و بسیج توده ها آنها شدت از سورا های محلی دفاع میکنند بصورتی که در مقابل دستگیری یکی از اعضای سورا توسط باسداران و با چندین مورد یورش نیروهای سرکوبگر دولتی برای انحلال سوراها مقاومت چشمگیری نشان داده، سوراها را حفظ نمودند. این پشتیبانی و مقاومت هرزه بر اثر برخورد با سیاستهای ضد مردمی حاکمیت تشدید میشود از جمله این اعمال ضبط داروهای جمع آوری شده این سوراها توسط پاسداران بود که شدت نفرت مردم را بر انگیخت. در آنها دگر چند نکته لازم است:

- ۱- حاکمیت در عین دمیدن در بوق و کرنای تبلیغاتی خود برای دامن زدن به دفاع از میهن و در عین ایجاد فشار و تصبیقات برای افرادی که شهرهای جنگ زد را ترک میکنند، خود با جلوگیری از تسلیه نمودن آنها و فراهم نکردن حداقل امکانات دفاعی برای آنان از مهمترین عوامل نخبه سهرهاست. باید شعار با طرح شعارهای بموقع در سطح توده ها به خصوص طرح خواستهای مشخص از طریق سوراها و دفاع محلی

# رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران است

# مبارزات دهقانان پیاغوزین

## نامه ای از روستای نادالی شبستر

بعد از قیام بیستم ماه روستائیان و سایر چمتکشان برای سن عقیده بودند که لااقل در زندگیشان یک بهبود نسبی بوجود خواهد آمد. متأسفانه گرانی و کمبود اوراق، وسایل، زندگی آنها را مشکل تر نموده است. بخصوص روغن نباتی، برنج و ... که ما یحناج اولییز چمتکشان را تشکیل میدهد (بترتیب کیلویی ۲۰، ۱۲ تومان) هم بزرگت یافت میشود.

با این وضع ما بخاطر روشن تر شدن اوضاع روستا با مطرح کردن چند نمونه از واقعیت های موجود روستا سعی می کنیم تا سایر چمتکشان هموطن آگاه باشند و بدانند زندگی ما روستائیان از چه قرار هست. و آنکسانی هم که دم از "انقلاب" می زنند بدانند در وضع زندگی ما هیچ تاثیر نداشت. اگر هم انقلابی شده باز بنفع بعضی از سرمایه داران بود و پس "بعنوان مثال ما روستائیان قبلا روغن موتورین را هر گالنی (تقریباً ۲ لیتری) حداکثر تا ۵۰ تومان خریداری میکردیم، اما حال به یمن جمهوری اسلامی سرمایه داران و نوجه های آنها هر گالنی را تا ۳۰۰ تومان بمسما می فروشند و کسی هم نیست از این افراد بپرسد شما از کدام طریق این مواد را تهیه و بفروش میرسانید. چرا روستائیان را این چنین چپاول میکنند. چرا جمهوری اسلامی ما این افراد سودجو این چنین امکان میدهد تا هر چه دلشان خواست بر سر ما روستائیان بیآورند.

ز چمتکشان بخصوص روستائیان خوب مطلع اند در مهرماه روستائیان گندم کار احتیاج سپرم به آب برای خشکو (اولیسن آب محصول کشت شده) دارند و بهر قیمت شده حاضرند. موتورهای آب را بکار اندازند. افراد سودجو نیز از فرصت استفاده کرده ما روستائیان را چپاول مینمایند. مسئله فقط این یکی نیست دریل جاری ما روستائیان کود شیمیائی (اوره) را که هر کیسه آن ۲۵ کیلو وزن دارد به دو برابر قیمت معمولی آن یعنی ۹۰ تومان حتی بیشتر نیز خریداری کردیم. با این واقعیت ها دولت خود را هر اندازه "مستضعفین" و حامی کشاورزان قلمداد می کند. اگر ما فرض کنیم که این اعمال از چشم دولت دور مانده و نتوانسته کنترل نماید و از این طریق "ظلم شده گناهی از حکومت نیست، اما این واقعیت تلخ جای هیچگونه شبهه ای نمی گذارد که دولت "انقلابی" در حرف طرفدار چمتکشان و حامی کشاورزان میباشد.

آیا از روستائی ز چمتکش / ۱۰۰۰ / ۲۰۰۰ تومان پول در بر کرد (دیگر گردهای پرداخت شده به شعبه مرکزی بانک ملی تبریز در ماههای شهریور و مهرماه ۵۹ بوده) را ما بحساب چمی توانیم بگذاریم. آیا حمایت دولت انقلابی از ما روستائیان این چنین خواهد بود؟ ما اعلام میداریم حکومت "مستضعفین" بعنوان دیر کرد اقساط تراکتور و تریلی اشوغیره ... به بهانه های مختلف وام اندکی را هم که میدهند از این طریق پس می گیرند. هر چه وضع و این چنین زندگی ما ن سپری میشود، بدون اینکه از قرض و بدهی خلاصی یابیم.

آیا این سیاست های دولت را می توان بحساب چپاول تولید داخلی گذاشت؟ مسلماً قای رئیس جمهور و سایر دست اندکاران دولت خوبتر از ما خودشان می دانند گفتارشان با کردارشان یکی نیست. آیا فکری میکنند باز هم خواهند، توانست با حرف های آراسته (تو خالی) ما ز چمتکشان را بفریبند. نه، این بار بدانید واقعیت ها از خواب بیدار ما ن کرد.

با سداران رودسر، سه سرکوب دهقانان فرستاد در این روز سوزنا ده در مقابل این چما سداران و حاسیان فتودالها مقاومت کردند و لسی آنها و حسیا به زبان حمله کرده و آنها را شدت محروح کردند و با سدار هم با خالی کردن تیرر هوایی و حمله با صدای تفنگ به زبان بی دفاع رعب و وحشت زیادی در روستا ایجاد کرد.

بعد از اینکه دهقانان پیاغوزین برای شکایت و بررسی خواسته هایشان به شهرستان "رودسر" پیش حاکم شرع رفتند، حاکم شرع به آنها گفت خودتان یک جوری مسئله را حل کنید و در سال مقداری از محصول خود را به اسحق پور بدهید، و چون با خشم دهقانان رو سر و شدت گفت که "پس محصول را (محصول روستا عمدتاً فندق و جو و گندم است) به سیاه یا سداران تحویل دهید تا بعد از تحقیق و بررسی سیستم محصول ما ل شماست یا اسحق پور ولی دهقانان به حکم حاکم شرع که محصول ما مع فتودالها را تا می کند و سعی نموده و محصول را تا ما ما بس خودشان تقسیم کردند. دهقانان پیاغوزین با وحدت و یکپارچگی خود هر روز در مقابل توطئه های فتودالها متما و متب می کنند.

با زداشت افراد شور را بگیرند. ولی دهقانان پیاغوزین مقاومت میکردند و میگفتند همه ما را بگیرند و به زندان ببرند ولی با سداران علمبرنامه مقاومت روستائیان، اعضاء شورا از دستگیر کردند و با خود بردند، دهقانان دیگر نیز بدنیا ل آنها بسوی زندان روانه شدند. عده ای از چمتکشان شهرستان رودسر نیز از موضوع با خبر شده و همراه دهقانان راه می افتند. با سداران که در مقابل حرکت کپارچه و متح...

دهقانان قرار گرفته بودند، بناچار امضای شورا را هم آزاد میکنند. در نیمه شهریور ماه یکی از روحانیون مرتجع با اسم شیخ رحمت قائمی دستور حاکم شرع رودسر شیخ محمد علی احمدی گرما به دشتی به پشتیبانی از فتودال های رخم آباد خواستند وارد پیاغوزین شوند که زبان روستائی از ورود آنها جلوگیری کردند، در آن موقع مردان ده برای کاره گیلان رفتند و بودند و در ده حضور نداشتند فتودالها چون اتحاد دهقانان را چنین دیدند برگشتند و روز بعد شیخ رحمت قائمی چند نفر از حامی مدارهای خود را همراه با سداران از سیاه

مبارزات دهقانان پیاغوزین از منطقه اشکورات شهرستان رودسر علیه فتودالها همچنان ادامه دارد. دهقانان این منطقه سابقه مبارزاتی طولانی با رژیم شاه مزدور دارند. آنها در آن زمان با نحوه مختلف سرکوب میشدند، در جریان قیام پرشکوه بیستم ماه اهالی این روستا در صیقلش توده ای شرکت فعال داشتند. بعد از قیام دهقانان روستائی پیاغوزین که خواهان تقسیم زمین های فتودالهای روستای خود بودند منتظر شدند که دولت با صلاح انقلابی این کار را برای آنها بکند، مخصوصاً که رژیم با تسلطات کرکسیده خود دهقانان را از دست زدن به هر گونه عمل انقلابی منع میکرد ولی با گذشت یکسال از قیام بیستم ماه دهقانان که متوجه شدند رژیم عملاً از فتودالها حمایت می کند خود دست بکار شده و با تشکیل شورا سه مصادره زمینهای غصب شده خود پرداختند، فتودالها نیز ساکت ننشسته دست بهر کاری زدند تا زمینهای دهقانان را باز پس گیرند.

زمینداران با اعمال نفوذ توانستند از دادگاه انقلاب اسلامی حکم

بسیار و مزد کمتر عملان تجاوری به کارگران و چمتکشان هر دو کشور نیست؟ ممکن است کارگران و چمتکشان بگویند که ما برای آزادیمان می جنگیم! آری - کارگران هر دو کشور ایران و عراق در راهی بوده های انقلابی کشورشان و مستقل از سرمایه داران برای پیسبردن انقلاب و منافع طبقات انقلابی با هر متجاوز می جنگند اما هیچگاه از دولت سرمایه داری اطاعت نمی کنند، فریب شعارهای کاذب بورژوازی در برلر

اما شورا و کارگران باید بدانند که تجاویز کاران واقعی، سرمایه داران کشورهای ایران و عراق و دولتهای متبوع آنها می باشند. کارگران باید به سیاست های دولت ایران و عراق که عملاً در خدمت سرمایه داران است آگاه باشند. مدتها قبل از آنکه جنگ درگیر شود تجاویز به جان کارگران و چمتکشان، تجاویز به حقوق آنها توسط سرمایه داران هر دو کشور و ولتهای آنها جریان داشت است. جنگ کنونی هم ادامه همان سیاست است. مگر در شرایط کنونی تنظیم قوانین جنگی، سانسور جنگی، تقویت ارتش، تعطیل کارخانجات، شعار تولید

میدان مبارزه و اشکال مبارزه را دشمن برای آنها تعیین کند. ۲- تجاویز کاران واقعی سرمایه داران و دولتهای هستند. شورا در اطلاعیه خود نوشته است "در این موقع حساس در حالیکه با تجاویز کاران عراقی و امیرالیستها جنگ داریم وقت اعتصاب و کار شکنی نبوده و این عمل از نظر شورا محکوم می باشد" اگر چه این حرکت فورمنها در جوهر خود از آنجا که حرکتی ضد کارگری و ضد شورائی بوده است، صد انقلابی است و آنها با پناهنده شدن خود به مدبر عامل در واقع به چهره سرمایه جوهر حرکت ضد انقلابی خود را نشان دادند

**شورای کارخانه**  
استان داد...  
تقیه از صفحه ۶

را تقویت نماید. این عمل از این نظر ضرور بود که اصلاً دامنه تبلیقات فورمنها و سرپرستها را که در قسمتهای مختلف تولید کارخانه حضور دارند در میان کارگران خنثی کنند تا نیافرست هر گونه حرکتی از جانب هیئت مدیره و فورمنها را بگیرد و روشی شبهه حرکت بعدی آنها را که در هر بعد به شکل پناهنده شدن در اطاق مدبر عامل بود خنثی نماید. شوراها و کارگران پیسرو باید به ما موزند که هیچگاه آنها پسند

"دفاع از میهن" را نمی خورند زیرا میهن بورژوازی چیزی جز سرمایه نیست. کارگران پیشرو باید با توجه به سطح و اشکال مبارز و ظرفیت عیناً موجود مبارزات کارگران و با در نظر گرفتن شرایط خاص سیاسی - اجتماعی جامعه مبارزه را به پیش ببرند. آنها هیچگاه نباید اعتصاب را کار شکنی تلقی کنند زیرا این حرف فقط از حلقوم سرمایه داران و نوکران آنها بیرون می آید.



# چشمک

## روسیه ساله کمبختی

بسیار از صفحه ۱  
نه تنها وقتی که کالاها - ماشین آلات و مواد اولیه در سطح جهان از طرف امپریالیستها گرانتر می شود با آن برد و شز حمتکشان و کارگران ایران نیز وارد می گردد بلکه سرمایه داران وابسته نیز سعی دارند روز بروز اجناس وارداتی و تولیدات خود را گران تر بفروشند. در نتیجه خلقهای کشورهای وابسته ای چون ایران هر روز بیش از پیش فشار گرانی را بر دوش خود احساس میکنند.

بعد از قیام دولت جمهوری اسلامی با حفظ روابط وابستگی و کوشش در بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته باعث شد که مشکل گرانی تداوم یابد و علاوه بر آن علت های دیگری باعث گشت که این گرانی و افزایش قیمت ها روز بروز زیاد تر شود. از جمله اینکه بسیاری از سرمایه داران که بعلت بالا رفتن آگاهی و سطح مبارزاتی توده ها محیط امن و آرام خود را از دست رفته می دیدند سرمایه های خود را برداشتند و به خارج رفتند و در این راه دولت جمهوری اسلامی هم نه تنها جلوی آنان را نگرفت بلکه با پرداخت وام های کلان به آنها اجازه داد تا مقدار بیشتری از "بیت المال" مملکت را همراه ببرند. امپریالیسم بخاطر تضادهای سیاسی که با حاکمیت موجود دارد اورا تحت فشار اقتصادی قرار داده، حاکمیت هم با عقد قراردادهای تجاری و صنعتی با کمپانی ها و کشورهای واسطه امپریالیستی همان اجناس و کالا های امپریالیسم را منتها به قیمت های گرانتر و چند برابر می خرید و به این وسیله به گرانی شدت دامن میزند. تجار و بازاریان با برخورداری از حمایت بی دریغ دولت شدت دست به احتکار میزنند و اجناس نبارهای خود را تا میتوانند گرانتر می فروشند. عده زیادی از سرمایه داران متوسط هم که راحت ترین و مطمئن ترین زمینه برای کسب سود را فعلا در تجارت می بینند. (چون صنعت و کشاورزی احتیاج به سرمایه گذاری دراز مدت و تبدیل قسمتی از سرمایه به ماشین آلات و دستگاه های غیر منقول دارد که بعلت وضع بی ثبات فعلی "صلاح نیست در عین حال بخش هایی چون خانه سازی که سرمایه های بسیاری را به کار انداخته بود اینک در رکود بسر می برد) به این سوری آورده اند و بشکل دلال و واسطه هر چه بیشتر بر بحران و گرانی می افزایند. و در این راه دولت جمهوری اسلامی نه تنها دست آنها را باز نهاده بلکه با سیاست های خود زمینه مساعدی را برای سود جوئی هر چه بیشتر آنها پدید آورده است. (بعنوان مثال سیاست سرکوب خرد فروشان و کاسب کاران بعنوان "عاملین گرانی") کاملاً روشن است که چگونه سیاست های بورژوازی دولت و حمایت بی دریغ اوا سرمایه داران بهترین زمینه را برای گرانی روز افزون ایجاد کرده و تمامی این عوامل دست هم داده فشار بسیاری را بر اقشار "پائین" و "متوسط" جامعه یعنی کارگران و زحمتکشان وارد می کند.

اینک جنگ ارتجاعی ایران و عراق در مسند کوتاهی که از آن میگردد شدت بر قیمت اجناس و بر افزایش فشار گرانی اثر گذاشته است. عین حال نتایج و عواقب بعدی آن که در اثر نابودی صنایع، بنادر، مخازن و پالایشگاه های نفت، اسکله های صدور نفت و... حاصل میشود بسیار شدید تر خواهد بود. امروزه شاهد افزایش قیمت ما یحتاج عمومی هستیم. بقول کارگری که در صف نان ایستاده بود

این روزها هر چیزی رو که حساب کنی آنقدر گران شده که اصلاً نمیشه طرقت رفت " و همانطور که زن زحمتکشی در صف روغن در جنوب شهر. تهران میگفت " نانها روز بروز آب میروند، نازک و سبک می شود، کره پیدا نمی شود، گوشت ۱۳/۵ تومانی را که ۲۸ تومان کردند باز هم کمیاب است، سیب زمینی و پیاز دو برابر گران شده، همه چیز صف داره و باید ساعتها توی صف ایستاد " همه چیز همینطور است در عین حال آنقدر جنس ها کمیاب است که وقتی نصیب کسی می شود دیگر صحبتی از کیفیت و مرغوبیت آن بمیان نمی آورند. بهمین خاطر است که اکثر اجناس با کیفیت بسیار پائین عرضه می شود و وزن اکثر بسته بندی ها کمتر از وزن معمولی است. مثلاً در بسته های لوبیا و نخود مقدار زیادی خاک و شن وجود دارد و پاکبسته های برنج از مخلوط کردن چند نوع برنج نامرغوب با برنج معمولی تهیه می شود. بهر صورت سرمایه داران میخواهند از هر طریق ممکن درآمد ناچیز زحمتکشان را غارت کنند. قسمت تمام ما یحتاج عمومی بخصوص عمده ترین مواد مصرفی زحمتکشان در ماه اخیر سیر صعودی سریعی را طی کرده است.

( بسیاری از اجناس چون گوشت - روغن نباتی - بودر لباس شوئی - صابون و... در عین گران شدن بسیار کمیاب می باشد )

پیرزنی می گفت " پول دیگر برکت خود را از دست داده است " بله دیوتورم بر زندگی زحمتکشان سایه انداخته و جنگ نیز این مساله را تشدید می کند. بنا بر " شاخص های " اعلام شده از سوی اداره مابار اقتصادی بانک مرکزی ایران برای مرداد ماه سال ۵۹ قیمت های مواد خوراکی حدود ۲۹٪ افزایش یافته است ۸۶٪ منسوجات و پوشاک ۴۴٪ برنج و فرآورده های آن ۳۰/۵٪ افزایش نشان داده است ( باید دقت کنیم که اولاً این آمار دولتی است بنا بر این مسلم است از واقعیات موجود کمتر می باشد. دوماً این شاخصی قیمت ها در مورد عمده فروشی است نه در مورد قیمتی که بدست مصرف کننده می رسد سوماً مربوط به زمانی است که جنگ ایران و عراق در نگر گرفته و در نتیجه ارقام ذکر شده بسیار کمتر از واقعیت موجود در موقعیت کنونی است ) - میانگین ۳۵٪ افزایش قیمت ها که در موقعیت جنگی فعلی به ۵۰٪ نیز می رسد یعنی اینکه پول ۳۵٪ ارزش خود را از دست داده، یعنی اینکه اجناس ۳۵٪ گرانتر شده است و یعنی پول بیشتر پیش از " برکت خود را از دست داده است " ولی در عوض دستمزد و حقوق کارگران و زحمتکشان نه تنها افزایش نیافته بلکه غول بیکاری چهره خود را بر اثر جنگ بیشتر از قبل نشان میدهد. کارگران و زحمتکشان بسیاری به همراه خانواده های خود با گرسنگی و فقر ناشی از بیکاری دست و پنجه نرم می کنند از طرف دیگر سرمایه داران با سوء استفاده از وجود این ارتش بیکاران کارگران شاغل راهموار در تهدید و ترس از بیکار شدن نکه میدارند و به این وسیله نه تنها دستمزد آنها را در پائین ترین سطح ممکن نگه میدارند بلکه تا نمیتوانند از آنها کار میکشند. جنگ ایران و عراق به همراه " خیر و برکت " فراوانی که برای سرمایه داران و دولتمردان حامی آنها به همراه آورده برای زحمتکشان هر روز بیش از پیش فقر و فلاکت گرانتری و کمبود ما یحتاج و خانه خرابی به ارمغان می آورد.

ببینیم کلا جنگ با گرانی چه ارتباطی دارد و چگونه

باعث میشود قیمت ها اینچنین سرعت بالا رود. در اثر جنگ صنایع و کارخانه های بسیاری نابود شده و از کار بازمی ایستند. پارهای به تهیه ما یحتاج جنگی می پردازند. بسیاری از کارخانجات هم در اثر نبودن سوخت و قطع برق و... از کار می افتند در نتیجه بر تعداد بیکاران افزوده می شود. در عین حال که تولید اجناس پائین می آید. در اثر جنگ امپریالیست ها به بهانه امنی تجارت و... کالاها را گرانتر صادر می کنند و سرمایه داران وابسته نیز در بناه حمایت دولت چندین برابر سود معمولی خود را به بهانه موقعیت جنگی بر روی اجناس می کنند و در نتیجه مقدار زیادی به قیمت اجناس افزوده می شود. در اثر جنگ دولت هزینه های سنگین تسلیحاتی و جنگی را با افزایش سرسام آور مالیات های مستقیم و غیر مستقیم و عوارض بردوش زحمتکشان وارد می آورد. در نتیجه از طرفی بر اثر افزایش مالیات غیر مستقیم قیمت اجناس بالا می رود و از طرف دیگر درآمد واقعی زحمتکشان بسیار پائین می آید. یعنی دولت جمهوری اسلامی مخارج جنگ " پر خیز و برکت " سرمایه داران را از سفره خالی توده ها و به بهانه ی خانه خرابی هر چه بیشتر آنان می پردازد. در اثر جنگ مخازن سوخت و بنزین نابود می شود در نتیجه حمل و نقل و نگهداری اجناس و کالاها مشکل شده هزینه بیشتری می طلبد در این میان سرمایه داران سود جو نیز به این بهانه قیمت کالاها را چندین برابر نمود و از این طریق نیز جیب خود را پرتر می کنند. در اثر جنگ بسیاری از مواد اولیه و ما یحتاج زحمتکشان برای مصرف ارتش و نیرو های مسلح دولتی به جبهه برده می شود و این مساله به کمبود هر چه بیشتر اجناس منجر میشود. در اثر جنگ اقشار مرفه به ذخیره سازی و جمع آوری مواد ضروری و غیر ضروری می پردازند و در نتیجه باعث کمبود اجناس و در عین حال گرانتر شدن آنها می شوند. در اثر جنگ سرمایه داران شروع به احتکار میکنند تا با ایجاد کمبود و قحطی مصنوعی قیمت ها را هر چه بیشتر تا میتوانند بالا ببرند. در این میان تاجران و سرمایه داران سود های بسیاری به جیب میزنند ولی عمده ترین فشار گرانی و تسخیر برد و شز زحمتکشان و کارگران و اقشار متوسط جامعه وارد می آید. جنگ ادامه سیاست است و نمیتوان انتظار داشت دولتی که در زمان " صلح " با باز نهادن دست سرمایه داران و با حمایت بی دریغ از آنها و توسط اعمال سیاست های سرمایه داران روز بروز به گرانی و تورم دامن زده و به بهانه ی فقر و فلاکت هر چه بیشتر توده ها جیب سرمایه داران را پر نموده است در هنگام جنگ سیاست دیگری در پیش گیرد در این میان کارخانه داران، زمینداران، تجار، واسطه ها و کلا اقشار مرفه همواره از بهترین و بیشترین مزایای برخوردارند آنها با پول کلان خود بهترین اجناس را می خریدند. با پرداخت رشوه همواره از سوخت و آذوقه کافی بهره خوردارند. با استفاده از مدرنترین وسایل کوچکترین کمبود خود را رفع می کنند. بخاری های برقی، مولد های برق، شوقاز، آبگرمکن های برقی و گاز و وسایط وسیله دیگر همه در انحصار این اقشار قرار دارد. در صف ایستادن هم اگر ناگزیر و اجباری باشد نصیب مستخدمین زحمتکشان نمیشود.

در حالی که ثروتمندان زندگی زالووار خود را

# شورای کارخانه استاندارد

## سرپرستان ضد شور را توبیخ کرد!

شرکت استاندارد یکی از واحدهای عظیم کفش طوسی می باشد. روز دوشنبه ۲۱ مهر سرپرستی، یک کارگر را بهانه شرکت در مجمع عمومی شورا سه ساعت جریمه می کند! شورا پس از تحقیق در این مورد سرپرست مربوط را سه روز جریمه و صندوقدار شرکت را یکروز جریمه می کند.

روز بعد استاد کارها و سرپرستها بعنوان اعتراض به شورا به مدیر عامل پناهندگی می شوند! و در اتاق مدیر عامل به تحصن می نشینند. در آن سوکارگران بدور شورا حلقه زدند و حمایت خود را از شورا اعلام می دارند. شورا اطلاعیه ای صادر می کند و از کارگران می خواهد که جای سرپرست ها را در محل های تولید بگیرند و همبستگی خود را با ادامه تولید به حمایت از شورا نشان دهند، کارگران باید نشان دهند که چرخهای کارخانه را نه سرمایه داران و کارگزاران نشان بلکه کارگران هستند که بگردش در می آورند شورا می مرکز گروه نیز از کارگران و شورا ای استاندارد حمایت می کند با اعلام همبستگی شورا میبستگی شورا می مرکز دست مدیر عامل در پوست گردو می ماند و عملاً منفرد می شود روز بعد شورا برای جلوگیری از تبلیغات عوام فریبانه مدیران و بخشی از شوراهای یک گروه انتظاماتی از کارگران تشکیل می دهد. برای حفظ همبستگی کارگران با شورا کارگران را به یک مجمع عمومی فرامی خواند کارگران بر پشت تریبون فراخوانده می شوند تا حرفهایشان را بزنند. کارگری می گوید: "یکی از استادکارها

گفته بود اگر به من یک میلیون تومان بدهند در رستوران کارگران غذا نخواهم خورد! یکی دیگر از کارگران می گوید "آنها باید شورا را تائید کنند و بگویند که اشتباه کردیم و علیه کارگران دست به اقدام زدیم و میزبانان را جمع کنند، مثل کارگران باشند (در ضمن کارگران از چند فور من که جانب آنها گرفتند تجلیل بعمل آورند) بعد از مجمع عمومی بخشی از شوراهای استاد کاران روحیه خود را از دست داده اعلام کردند که بسر کار باز می گردیم. شورا یک لیست ۱۲ نفر از شوراهای که حرکات ضد کارگری از آنها دیده شده بود و بیشتر در خدمت سرمایه داران بوده اند تهیه می کند و برای تعیین تکلیف با آنها اعلام مجمع عمومی می نماید. در مجمع عمومی همراه با پوزیشن فور منها از کارگران و اخبار توبیخ شورا به فر منها کارگران حاضر می شوند که آنها برای کارگری برگردند. بقول کارگری "این حرکت باعث شد فر منهای سایر شرکتهای گروه هم حساب کار خود را داشته باشند که اگر در کنار کارگران باشند، تجلیل می شوند و اگر در کنار توبیخ و اذامه این کار هم باد ستور

شورای خراج آنها خواهد بود. عجل این حرکت شورا و وظیفه کارگران پیشرو اگر چه وجود تضاد بین منافع کارگران و شوراهای سرپرستها زمینه مادی این حرکت بوده، اما در پیروسه مبارزات کارگران و شورای استاندارد دلایلی این علت بالقوه (که باید جزو تضاد های فرعی در اردوی کار و سرمایه به حساب آید) به بالفعل تبدیل گشت. شورای قبلی کارخانه بقول کارگران "شورای سرپرستان" بود، وبالطبع شورا در جهت منافع کارگران حرکت نمی کرد، وهما هنگی آشکار و پنهان این شورا با مدیر پرست کارخانه باعث شده بود که آنها جبهه ای در مقابل کارگران تشکیل دهند. همراهاتذکر این موضوع که اغلب بخشی از سرپرستها مجری و عامل مدیوت بوده وهستند و در ضمن خشم و کینه کارگران نسبت به افرادی که سابقه چاگری آنها با بیروانی صاحب قدیمی گروه که همچون آتش زیر خاکستر پنهان بود سبب شده که در انتخابات شورا کنونی حتی یک سرپرست هم

انتخاب نشود. این درگیریها همراه با توجه به موقعیت شغلی و گرایش طبقاتی متفاوت فور من ها باعث موضع گیریهای ضد شورائی می شد. این درگیری بین فور منها و شورا در اشکال متفاوت با پتانسیل کم و زیاد ادامه داشت تا اینکه حرکت ضد کارگری و ضد شورائی یک سرپرست آن را داد من زد. اما وظیفه کارگران پیشرو اینست که نه تنها منافع محدود اقتصادی کارگران بلکه همچنین محیط اجتماعی را که زمینه ساز بهره برداری سرمایه داران می شود برای کارگران توضیح دهند. آنها باید به کارگران تصویر روشنی از طبیعت اقتصادی و ویژگیهای سیاسی - اجتماعی یک صاحب منصب دولتی، سرپرست و فور من ارائه دهند. باید نقاط ضعف و قوت آنها را بشناسانند به کارگران باید بیاموزند که در کشورهای سرمایه داری دولت دستگاهی است که سرمایه داران را قادر می سازد تا طبقه کارگر را تحت کنترل رابه نقیاد خویش در آورند. اشکال تسلط دولت ممکن است گوناگون باشد اما اعمال قدرت سرمایه اشکال متفاوت دارد اما اساسا قدرت در دست سرمایه است. در سیستم سرمایه داری کسانی هستند که بار شیبوه

و مزایای بیشتر توسط سرمایه داران خرید می شوند. عمده زیاده ها از اقشار مختلف دانشمندان، هنرمندان مهندس و سرپرستها و غیره در خدمت سرمایه هستند. از همین رو باید کارگران را با این مسائل آگاه کرد. آنها باید توجیه داشته باشند که همواره کارگران را از مسائل فرعی به مسائل عمده هدایت کنند. یعنی همیشه باید جهت اصلی مبارزه با سرمایه داران و دولت آن باشد. در هر مبارزه ای که با کارگران سرمایه دار شکل می گیرد باید این حلقه اتصال نیز بر ضرب گری قدرت سرمایه و دولت متنوع آن جهت عمومی روشن کارگران باشد. شورای انقلابی باید بدانند که تنها در مبارزه با این عوامل و تمامی توطئه های ضد کارگری و ضمن جهت مشخص دادن به آن است که هر لحظه می توانند بر قدرت و پایگاه توده های خود بیافزایند.

امادر بر روی حرکت شورا کارخانه استاندارد پارامی نقائص وجود داشت که ما سعی می کنیم با باز کردن این نقائص، ضعفها را بشکافیم و راه تصحیح آنرا نشان دهیم.

شورای کارخانه نباید میسندان مبارزه را دشمن بدهد. در ابتدای حرکت وظیفه شورایی بود که قبل از هرگونه حرکت عکس العملی در مقابل سرپرست خاطی کارگران را به مجمع عمومی فراخواند و زمینه همبستگی کامل بین شورا و کارگران را فراهم کند و جبهه خود

### جنگ و مساله گرانی

نخه از صفحه ۵

ادامه میدهند توده های فقیر شهر و روستا با فلاکت دست بگیرند. کمبود آذوقه، گرانی ارزاق عمومی، نبودن سوخت، عدم وجود سرپناه مناسب نداشتن لباس و پوش گرم و کافی، کار روز حمت طاقت فرسا و شبانه روزی، برای بسیاری از خانواده های بیکاری نبودن درآمد حداقل برای گذران زندگی همه وهمه دست بدست دادند زندگی آنان را روز بروز سخت تر و کشتند هتر میکنند.

درست است که جنگ ارتجاعی دولتها گرانی و تورم را بشدت دام زده و قیمت اجناس بشدت رویه بالا رفتن نهاده. است ولی علت اصلی این مساله نظام سرمایه داری و سود جویی سرمایه داران است و بس و مسلم است که سرمایه داران هیچگاه از سود بیشتر چشم نمی پوشند و در نتیجه مسلم است که پس از خاتمه جنگ نیز دولت و سرمایه داران نه تنها نخواهند گذاشت قیمتها پائین بیاید بلکه روز بروز نیز سیاست های جدیدی در جهت افزایش آن اعمال خواهند کرد توده ها نیز این مساله را بتدریج و بر اثر تجربیات عملی و مشخص خود درک کرده و میکنند. چنانکه کارگر جوانی در مقاله بقالی در جواب آخوندی که می گفت "البته فعلا ما با کف در حال جنگیم و بهمین دلیل قدری قیمتها بالا رفته ولی انشا الله کم خوب

می شود" با سادگی تمام می گفت "ای بابا جنگ هم یک بهانه است مثل بهانه های دیگر اصلا توی این مملکت کی دیده قیمتی که بالا رفت پائین بیاید که این مرتبه دومش باشد.

همانطور که گفتیم گرانی معلول نظام سرمایه داری است و تنها با این نظام نیز بگور سپرده خواهد شد اما مبارزه با اعمال فشار سازمان یافته توده ها میتواند تا حدودی هیولای گرانی و کمبود اجناس را (هر چند در چهار چوب بورژوازی) مهار نماید. برای این کار باید شرکتهای تعاونی تولید کارگران تحت نظارت و کنترل شوراهای کارگری تولید و فروش محصولات را در دست گیرند. باید توزیع ارزاق عمومی سوخت و سایر مایحتاج اولیه تحت نظارت و کنترل شوراهای محلی منتخب از سوی مردم انجام شود تا از این طریق حتی الامکان دست واسطه ها و دلال ها کوتاه گردد و توزیع نا عادلانه، رشوه خواری و بیاگیری تاحدی تعدیل گردد. باید تمامی قراردادهای تجاری ظرعی و مقاوله نامه های صنعتی بشکلی علنی در پیشگاه توده ها طرح گردد تا بدینوسیله ز دو بند های دولت با امیرالیهستها هر چه سر بیعت افشاء گردد. باید هر چه زودتر تمامی بیکاران به کار گرفته شوند و به بقیه آنان نیز حق بیمه بیکاری پرداخت شود. نه اینکه سرمایه داران با حمایت دولت در عین حفظ ارتش بیکاران توسط افزایش ساعات کار استثمار مضاعف را نسبت به کارگران اعمال نمایند. باید دستمزدها و حقوقها حداقل به اندازه نرخ تورم هر سه ماه یکبار ترمیم یابد و...

ولی جالب اینجاست که دولت جمهوری اسلامی

با تمامی ادعاهای مبنی بر حمایت از "کوخ نشینان و مستضعفین" در عوض انجام تمامی این کارها، شوراها را سرکوب نموده سعی در ایجاد شوراهای فرمایشی و تحت کنترل خود دارد. دست واسطه ها، تجار و صحتگرین را باز می نهد و از آنان حمایت می کند. سرمایه داران را در افزودن هر چه بیشتر درجه استثمار تشویق و حمایت می کند، هرگونه مقاومت و حرکت توده های حتی حرکات خود انگیخته مردم در قبال گرانفروشی و احتکار را سرکوب می نماید، نه تنها به بستن قرارداد های مخفیانه با دول امیرالیهستی میپردازد بلکه قرارداد های اسارت بار رژیم شاهرا افشاء نموده است و در عین حال با انجام تمامی این سیاستهای ضد خلقی و سرمایه دارانه سعی در تحمیل هر چه بیشتر توده ها نیز دارد. زحمتکشانی را که پس از ساعتها کار طاقت فرسا به جبار در صفهای طولی به انتظار لقمه ای نان یا مایحتاج اولیه دیگری ایستند ضد انقلاب، جاسوس خارجی و شاه پاره پراکن می نامد.

وبه این طریق تمامی تقصیر گرانی و تورم... رانیز بگردن خود مردم می افکند. پیرمردی در دلد خود را در حالیکه در صف طولی زوغن نباتی ایستاده بود چنین بیان کرد:

"این دولت حالا که می بینم مردم بهش چیزی نمی کن دو قورت و نیمش هم باقیه باید بختی تمام صبح تا بوق سگ چون می کنیم چند روز در میاریم عوض اینکه ما سرو صدای بلند باشه که چسرا هیچی تو بازار پیدا نمی شه ما این سرمایه دارها از ما پول خون پدرشون را می خوان تازه توهف هم که می ایستیم می شیم ساواکی وضدا انقلاب"



# تعاونی در جمهوری اسلامی راه حل "نه شرقی نه غربی" برای حل بحران بیکاری

براه انداختن صنایع از کار افتاده، دنبال کردن طرحهای نیمه تمام (در واقع تلاش برای برآوردن صنایع و موسسات و طرحهای وابسته) و بالاخره طرح ایجاد شرکتهای تعاونی تولید در اسفندماه ۱۳۵۸ شورای انقلاب قانونی بدین منظور تصویب کرد و اعتباراتی به مبلغ ۴۵ میلیارد ریال به این کار اختصاص داد و در وزارت کار بخشهایی بعنوان مرکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی تشکیل شد که در حکم مرکز فرماندهی و جهت دهی به این گونه شرکتهاست.

ظاهراً این بود که چون تعداد تحصیل کرده های متقاضی کار دولتی زیاد است و دولت نمیخواهد بر بار خویش بیافزاید، با ایداز طریق تشکیل شرکتهای تعاونی، برای اینگونه بیکاران وسایرین کار فراهم کرد. بنا بر این بوده است که در هر یک از این شرکتهای حدود ده نفر بعنوان سهامدار گرد آید و دولت سرمایه های برای ایجاد یک موسسه تعاونی در اختیار آنان بگذارد.

ما تاکنون مکرر در نوشته های خود خاطرنشان ساخته ایم که بورژوازی ایران پس از قیام در جهت رهایی از بحران موجود و کاستن از ناراضی و آرام کردن توده های مردم در زمینه های مختلف دست به فرمهای زده است. فرمهایی که در نهایت نه باری از دوش تسوده های زحمتکش بر میدارد و نه میتواند جوابگوی خواستهای اساسی آنها باشد. مسئله تشکیل شرکتهای تعاونی نیز بر چنین زمینه ای استوار بوده است. ایجاد شرکتهای تعاونی و تولید و غیره، هدفها و مقاصد گوناگونی را تعقیب میکنند که ما در مجال این مقاله بدان میپردازیم، اما پیش از آنکه به بررسی شرکتهای تعاونی جمهوری اسلامی، عملکرد و نتایج آنها بپردازیم، لازمست بطور کلی چگونگی فکر تشکیل شرکتهای تعاونی را در او ان پیدایش سرمایه داری بررسی کنیم.

در او ان پیدایش سرمایه داری، روشنفکران خرده بورژوا و انسان دوستان و سوسیالیست های تخیلی در پی راه حلهایی بودند که بدان وسیله بتوانند مصائب ناشی از تجمع و تراکم سرمایه را از میان بردارند. مصلحینی چون فوریه، پرودون، آون و غیره که مظلوم سرمایه داری را به چشم

می دیدند و از سوی دیگر نمی توانستند و یا نمیخواستند نیروی کارگران را برای مبارزه علیه نیروی سرمایه داران متشکل کنند، به این نتیجه رسیدند که طرحهای گوناگونی ارائه دهند که کم و بیش شبیه طرح تشکیل شرکتهای تعاونی مورد نظر را برت آون انگلیسی است.

این مصلحین میخواستند با تشکیل شرکتهای تعاونی، به خیال خود استثمار را از میان بردارند. جلوی قدرت سرمایه بزرگ را سد کنند و حتی با نمایش برتری ها و عدالت آن تعاونی ها، سرمایه بزرگ را نابود کنند. دنبال آن طرز تفکر و عمل در مشی بورژوا - لیبرالهای امروزی بین المللی نیز منعکس است که معتقدند و یا چنین تبلیغ میکنند که مثلاً بنا به یک مضمون آمریکائی "کوچک زیباست" و باید در پی ایجاد موسسات کوچک و احتمالاً تعاونی های کوچک که در آن صلح و صفای طبقاتی حکومت دارد، بود اما اکنون برای طبقه کارگر روشن است که مشکل اجتماعی از بزرگی موسسات تولیدی بر نمیخیزد، بلکه ناشی از مالکیت خصوصی برای این موسسات است. و می دانند که تنها راه علیه سرمایه بزرگ، بنای سوسیالیسم است.

اما افرادی چون بنی صدر و امثال او که نسخه های از روی آثار غربی لیبرالها و سوسیالیستهای تخیلی و یا کینز می نویسند و بر آن نام اقتصاد توحیدی گذارده اند، بخوبی آگاهند که این قبیل طرحها نه تنها ذره ای از خصوصیت سرمایه داری جامعه نمی کاهد بلکه بالعکس در شرایط بحران کنونی در خدمت جامعه سرمایه دار است، و نه تنها در جهت رهایی از بحران موجود است، بلکه دقیقاً در خدمت فریفتن توده های مردم است.

بدون شک بخصوص در جوامعی که از نظر تکامل اقتصادی در سطحی ثینی قرار دارند و در آنجا که قدرت در دست طبقه کارگر قرار میگیرد و سوسیالیسم آغاز می گردد، برای گذار به سوی اجتماعی کردن کامل تولید و از آن طریق اجتماعی کردن مالکیت بر وسایل تولید، موقتاً و در مراحل گذار، شرکتهای از نوع تعاونی تشکیل می شود که موسسات کوچک و افرادی اقتصادی را در شهروده در قالب موسسات تعاونی گرد می آورد و

تفاوت این تعاونی های سوسیالیستی با تعاونی های جوامع سرمایه داری (نظیر جامعه ما) در این است که اولی راه گذار به سوی محو طبقات را هموار میکند و دومی راه گذار به سوی تولید بزرگ با مالکیت خصوصی است، زیرا تا موقعی که سرمایه به عنوان یک رابطه اجتماعی وجود دارد، هیچ چیز جلوی بزرگ شدن، تراکم و تجمع آن را نمیگیرد و البته فکر تعاونی ها این فایده را از نظر اجتماعی در بردارد که ذهنیت های دچار توهم خرده بورژوازی و ترسان از استثمار را موقتاً تسکین میدهد. مثلاً مسئول همین تعاونی ها در وزارت کار میگوید: کارکنان (شرکتهای تعاونی) سهامدار هستند و استثمار کارگران توسط عده ای محدود مطرح نیست و مساله بیمه و اعصاب نیز مطرح نمی شود! اینها هم می خواهند از "مشکلات کارگری" (یعنی مبارزه طبقه کارگر) بگریزند.

برای آنان که میخواهند و بتوانند بفهمند روشن است که تا سرمایه و سرمایه داری وجود دارد، با سدا و هام زیبا نمی توان جلوی آن را گرفت. سرمایه در راه حرکت خود موسسات کوچک و تعاونی ها را جارو می کند و با معدودی از آنها را در خدمت خود میگیرد و از آنجا که تعاونی های مورد نظر، در متن حکومت و تقدیس سرمایه و مالکیت خصوصی پا میگیرند و عمل میکنند، علیرغم نیات ادعائی طرفداران راه نه شرقی - نه غربی، در راه "غرب" می تا زنده و سرمایه بزرگ بکاری میکنند.

از این اوهام گذشته، بعضی متفکران و مسئولان ادعاها میکنند و یا میکنند و یا شاید با بردارند که تشکیل تعاونی های تولید، علاوه بر حل تناقض میان سرمایه بزرگ و سرمایه کوچک، میتواند راه خودکفائی و استقلال اقتصادی و افزایش تولید و رفاه را هموار کند. ظاهراً بعضی از این متفکران پذیرفته اند که یکی از مشکلات اساسی جامعه ما وابستگی استه منتهی آنها به حسب طبیعت طبقاتی خود و وابستگی را از سرمایه داری امپریالیستی جدا می کنند و از سوی دیگر فکر میکنند راه رفع وابستگی بستن مرزها بر روی کالاهای خارجی و کاستن از واردات است. مسئله بالابردن میزان تولید نیز بخصوص بگمان رئیس جمهوری از

طبقه در صفحه ۸

۴ ساعت کار در هفته خواست همه کارگران است

وسایلی است که وابستگی را از میان می برد و استقلال به ارمغان می آورد و گویا شرکت های تعاونی نیز باید در خدمت افزایش تولید ترا رگید و مشکل گشای وابستگی باشد. غافل از آن که چون موسسات تعاونی مزبور در چار چوب غلبه سرمایه داری وابسته (که از نظر اقتصادیات برقرار مانده) عمل می کنند ناچارند از آنها تبعیت کنند و از طریق آنها مستقیم یا غیر مستقیم به وابستگی دامن بزنند (البته اگر حجم قلیل این گونه سرمایه ها اجازه دهد که اثری در مجموع سرمایه های کشور داشته باشد) و در تائید خودگشائی نیز، از جمله به دلیل قلت حجم سرمایه تخصیص یافته، در این راه نیز اثری نخواهد داشت. ادعاهای دیگر از این قبیل، تشکیل تعاونی ها می تواند جلوی احتکار و تورم را بگیرد و واسطه ها را از میان بردارد و "خدمت به مردم به جای سود طلبی را رواج دهد، عوام فریبانه تر از آن است که محتاج رد کردن باشد، مختصرا این که وقتی در فضای حیات عمومی این سرمایه داران "غیر استثمارگر" کوچک، هوای سرد جریان دارد، آنان نیز از همان استنطاق خواهند کرد. این مسئله تا بداند ناروشت است که حتی توانایان فرد، از اپیدئولوژی های خرده بورژوازی نیز در این باره می گویند: "تا موقعی که اقتصاد دوطرفه (یعنی سرمایه داری وابسته) است، هر نوع تغییر و تبدیل در تاسیسات این اقتصاد، از جمله تاسیسات تعاونی یا تقسیم زمین، ملی کردن کارخانجات و تجارت خارجی و هر اقدام دیگری باشد، "محصول مالکیت خصوصی سرمایه" باشد... فقط شکل استثمار را عوض می کند و به آن شدت می بخشد... تورم و بیکاری هم از میان نمی رود... در همین شرکت های تعاونی... سرمایه داران در کنار تعاونی های تولیدیه صورت قارچ... آنان را می دوشند... و استثمار تعاونی ها توسط سرمایه داران غیر قابل اجتناب خواهد بود." (خواهیم دید، که تعاونی ها خودشان هم باید کارگران را استثمار کنند.)

بهمین کینانی یکی دیگر از اقتصاد دانان بورژوازی نیز از دیدگاه دیگر در این باره می گوید که با تعاونی ها نمی توان راه نفوذ انحصارات را سد کرد، و این شرکتها چون کارگر احیاء می کنند، استثمار نیز نمی شود، با اوضاع موجود این شرکتها و باال کردن دولت می شوند و با ورشکست می گردند که در هر دو حالت محکوم به شکست هستند و نکته دیگر اینکه درجهانی که به سوی تکامل فنی و تولید انبوه می رود، "واحدهای کوچک مقرون به صرفه نیست" و بنا بر این ارتجاعی است.

\* \* \*

اما ادعای اصلی مجریان و مستکران

## تعاونی در جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۷

طرح تعاونی ها اینست که با این طریق بیکاری رفع می شود. برای پاسخ به این ادعا شاید کافی باشد به فشرده دو خیمبر توجه کنیم: روزنامه اطلاعات در شماره ۵ مهر ماه ۱۳۵۹ خبر می دهد که طرح تشکیل ۱۴ شرکت تعاونی در کرمانشاه با سرمایه ۳۴۲ میلیون ریال و با عضویت ۱۴۰ نفر برای امور صنعتی، کشاورزی و دامداری به تصویب رسیده است.

یادآور می شویم که در همین استان قبلا ۵۰ شرکت با ۵۰۰۰ سها مدار و سرمایه سرانه ای به همان میزان تشکیل شده و به این ترتیب ظرف ۶ ماه (از اسفند ۵۸ تا مهر ۵۹) از تصویب طرح تشکیل شرکت های تعاونی با سرمایه های "ملی" شده جمعا ۶۴ شرکت با ۶۴۰ سها مدار، با سرمایه ای حدود ۱۱۰ میلیون تومان تشکیل شد.

خبر دیگر از مازندران است و از روزنامه جمهوری اسلامی نقل می شود در این استان تاکنون ۵۸ طرح تعاونی با ۲۴۰ میلیون ریال سرمایه به تصویب رسیده که عملا ۱۸۰ میلیون ریال تاکنون در اختیار سها مداران (۵۸۰ نفر تحصیل کرده) قرار گرفته و این شرکتها برای جهک راهائی تشکیل می شوند: برای دامداری و کشاورزی. تا بد با دقت در این دو خبر نیز بتوان دریافت که این گونه موسسات چگونه می توانند انبوه فزاینده تحصیل کردگان بیکار را به کار مولد و مفید بگیرند. ممکن است گفته شود که این موسسات در ادا مه کار خود می توانند مشوق اشتغال در موسسات جنبی شوند، اما می بینیم که حجم قلیل سرمایه و نوع تولید مانع از این می شود که عامل ایجاد اشتغال جنبی عمل موثر واقع شود. ضرب تشویق اشتغال بیشتر از طریق موسسات تولیدی پایه ای موثر افتد تا از طریق موسسات کوچک مولد کالاهای مصرفی و خدماتی. به طور کلی برای اجرای این طرح ۴۵ میلیارد ریال اختصاص یافته که طبق آمار تیرماه روزنامه کیهان ۱۰ آن مصرف شد. در همینجا باید توجه داد که سرمایه و وام داده شده از سوی دولت و بانکها ترار است پس از به ثمر رسیدن طرح با بهره ۲ تا ۴ درصد بازگرفته شود اما با همین سرمایه بسیار ارزان و با پائین بودن سطح

مزدبانی از شدت بیکاری، با مقدمات فوق به جرات می توان گفت که هیچ فایده ای حاصل نمی شود و در زمینه

سیاسی و اقتصادی، سرمایه داری وابسته تقویت می گردد.

با مبلغ کل طرح طبق آمار مذکور تاکنون ۲۰۰۰ شرکت با به قول یکی از مسئولان ۲۵۰۰ شرکت تشکیل شده و جمعا ۴۰ هزار روبه قول دیگر ۳۰ تا ۴۰ هزار نفر به کار گرفته می شوند. بنا بر این با صرف کل مبلغ ۶۰۰ الی ۹۰۰ هزار روبه کار گرفته می شوند و مقایسه این رقم با تعداد بیکاران (حتی بیکاران تحصیل کرده) نیز شکست این طرح اشتغال زا را پیشگو می کند. (خواهند گفت که قرار نیست که کل بیکاری از این طریق رفع شود و براه افتادن صنایع از کار افتاده و طرح های نیمه تمام عمرانی نیز به کمک خواهد آمد که تاکنون چنین نبوده و با پائین آمدن نرخ سرمایه گذاری جدید بخصوص توسط بخش خصوصی، سطح بیکاری از این نیز بالاتر خواهد رفت.) جدول ضمیمه نشان می دهد که در ۱۲ استان کشور میزان اشتغال مستقیم از طریق تعاونی ها درجه حدی بوده و هم اکنون نیز کذب ادعای مسئولان را فاش می سازد.

اما بی بینیم این موسسات در چه زمینه های فعالیت می کنند. جدول مذکور نشان می دهد که ۵۰ درصد شرکتها در زمینه کشاورزی و نظیر موسسات کشاورزی سرمایه داری عمل می کنند. از نظر میزان تولید نیز روشن است که معجزه ای نشان نخواهد داد زیرا از تکنولوژی موجود (اگر بتوانند به آن دست یابند) استفاده می کنند و وسعت اراضی زیر کشت آنها نیز در حدی نیست که به "خودکفائی" مورد ادعا برسیم.

محض اتساع خاطر بگوئیم گویا از قبل همین تعاونی ها و با فعالیت جهک سازندگی و با احتمال قوی تر رو آوردن کارگران مهاجر به تولید زراعی و با عوامل مساعد جوی اسال به قول یک مسئول وزارت کشاورزی توانستیم از زمینه "جهک محصول عمده" زراعی "یعنی پاز، برنقال، خربزه و سیب زمینی به خودکفائی برسیم!!" (عین خبری است که در ارگان حزب جمهوری اسلامی به چاپ رسیده).

در حال شرکت های تعاونی کشاورزی مزبور از نظر شروع کار نیز دچار ضعف هستند، زیرا ماشین آلات (تراکتور و پمپ آب و غیره) با موجود نیست و یا گران است و به حال عمدتا از خارج وارد می شود، چه به صورت ساخته و چه به صورت نیم ساخته است.

ونکته جالبی که به نظام آموزشی کشور در گذشته و حال مربوط می شود: به اظها مقامات مسئول "چون غالب این تحصیل کرده ها برای پشت میز نشینی تربیت شده اند و با تحصیلات فنی شان ناقص و بی فایده است" تن به کار نمی دهند و می خواهند دیگران را به کار بکنند و با اصول به طرح های تعاونی

بقیه در صفحه ۱۲

# پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران





# شوراهای دفاع محلی

دولت با تمام هیاهوی خود در مورد "بسیج مستضعفین" و با تمام احکام و دستورات عوامفریبانه در مورد تسلیح نمودن مناطق جنگی نبرد شدت از مسلح نمودن آنان خود داری می کند. جلوگیری از مسلح شدن کارگران و زمینگشان، بخصوص در مناطق جنگی اولاً ماهیت حاکمیت را بیشتر افشان نمود، از بین رفتن توهم توده ها نسبت به حاکمیت را تسریع کرد ما ست. دوماً، حرکت منفی را در خطوط حمله دامن زد ما ست و آن تخلیه سریع شهرها از سوی مردم می باشد در شهرهای جنگ زد هر کس کوچکترین امکانی برای رفتن داشته شهر را ترک نمود و در شهر فقط فقیرترین افراد که هیچگونه امکانی برای تخلیه و جایی برای رفتن نداشته اند به همراه جوانان پر شور و انقلابی باقی مانده اند. این عکس العمل طبیعی از طرف مردم بی دفاع در مقابل خود داری دولت از دادن اسلحه به آنان است. در عین حال این جلوگیری از تسلیح توده ها لزوم ایجاد تشکلهای مستقل را بیش از پیش روشن می کند. تمامی زلفا، هواداران و نیروهای ترفیخواه باید با بهره گیری از این زمینه مساعد در عین افشای هر چه بیشتر ماهیت ارتجاعی جنگ، در جهت پیشبرد سیاست اصولی سازمان توده ها در تشکلهای مستقل خود سازمان دهند. یکی از اشکال مشخص اینگونه سازماندهی شوراهای دفاع محلی است. شوراهای دفاع محلی چیست؟

شورای دفاع محلی شکلی از سازماندهی توده های محلات شهری (و احیاناً روستایی) جهت برخورد متشکل و سازمان یافته با شرایط جنگی است. شورای دفاع محلی توده ها را برای انجام سریع و سازمان یافته تمامی وظایف در یک موقعیت جنگی سازمان میدهد. عمده ترین این وظایف عبارتند از سنگر بندی و سنگرسازی، تعلیم نظامی به افراد محل - آماده باش ساختن وسایل شهری چون کوکتل و سه راهی و غیره در حد امکان - تنظیم کتیک و مراقبت محلی - خیررسانی و تقویت روحی توده ها - نذارکات (آذوقه سوخت و...) امداد و کمکهای اولیه شناسائی و افشای عناصر مزدور - بررسی و ارائه تجربیات جنگی رها نیبخش و... شورای دفاع محلی باید تمام افرادی را که آمادگی خود را برای همکاری اعلام می کنند سازمان دهد.

حاکمیت بورژوازی با تمام قوا در جهت تلبودی و از کار انداختن این شکل توده های حرکت می کند (کلا سیاست بورژوازی در مقابل تمامی تشکلهای توده های چینی است) سیاست حاکمیت در این مورد دارای دو وجه است.

۱- با تکیه بر توهم توده ها سعی در ایجاد ارگانی از بالا و سازماندهی و کنترل کامل آن از طریق مساجد و کمیته ها دارد.

۲- در صورت برخورد با هرگونه ارگانی در خارج از حیطه قدرت و کنترل خود بشدت به سرکوب برداخته و تحت بهانه هایی چون نفوذ کمونیستها و ایجاد تفرقه و... بشدت در جهت از هم پاشیدن آن حرکت میکند. نمونه های بسیاری از این مورد در دست است که در آخر مقاله ذکر خواهد شد. آخرین حرکت حاکمیت در این مورد اعلامیه وزارت کشور در جهت جلوگیری از ایجاد هرگونه شورای محلی و

کمیته بسیج در خارج از حیطه قدرت دولتی میباشد.

چگونه شوراهای دفاع محلی را سازمان دهیم. وظیفه ما ست که توده ها را در تشکلهای مستقل شان سازمان دهیم تا در عین مقابله و مبارزه با یورش رژیم ضد خلقی عراق و دوشادوش این مبارزه ماهیست حاکمیت جمهوری اسلامی و سیاستهای سرکوبگرانه آنرا نیز لمس و درک نمایند. برای این عمل مشخصات زمانی که توده ها در شوراهای دفاع محلی بطور کامل سازمان نیافته اند و این شوراهای پیشتیبانی کامل و بی دریغ آنان برخوردار نیست این خطر وجود دارد که در مقابل یورش و سرکوب حاکمیت، نیروهای مترقی تشکیل دهنده نطفه شورامورد ضربه قرار گیرند بدون آنکه توده ها بدافع از شورابرخیزند تا پیروسی این دفاع به ماهیست ضد خلقی و سرکوبگرانه حاکمیت و قوف پای بند. در نتیجه لازمست که هسته های مخفی از نیروهای مبارز و مترقی تشکیل توده ها در شورابرخیزند و مشخصات تا شکل گیری کامل شورابرخورداری کامل از پیشتیبانی توده ها، سازماندهی حرکت را در شکل مخفی خود ادامه دهد. تجربیاتی که در فضا بدلائل مختلف حرکت خود را بشکل علنی آغاز نموده اند و یا قبل از برخورداری کامل از پیشتیبانی توده های آنرا علنی نموده اند اکثر اوقات توسط یورش ارگانهای سرکوب حاکمیت و دستگیری رفقای هدایت کننده حرکت به شکست انجامید ما ست.

مادر اینجا جمع بندی چند تجربه مشخص از سازماندهی شوراهای دفاع محلی در شهرهای آبادان - اهواز و خرمشهر در هفته های اول جنگ را مورد بررسی قرار میدهم تا نقاط ضعف و قوت آن آشکار گردد (لازم به تذکر است که گزارشات جمع بندی شده مربوط به هفته های اول جنگ است و بعد از آن حرکت در جهت تشکیل و استحکام بخشیدن به شوراهای دفاع محلی ادامه یافته است.)

اهواز در ابتدای تشدید جنگ میان دول ایران و عراق عده های از جوانان مبارز دست به ایجاد نطفه های اولیه برای شوراهای دفاع محلی زدند. شروع حرکت که با حملات بی امان رژیم ضد خلقی عراق همزمان بود توسط اعمالی چون حفر سنگر و تشکیل کمیته های امداد و نذارکات و ارتباطات شکل گرفت. در مدت کوتاهی که حملات در اوج خود بود شوراهای توانستند پیشتیبانی عملی توده ها را جلب نمایند ولی در فرصت کوتاه موجود موفق به سازماندهی اصولی نیروهای بالفعل و جذب نیروهای بالقوه موجود نگشتند از سوی دیگر بعطت برآورد غلط از شیوه پیشرفت جنگ و وجود این تصور که جنگ بسرعت به جنگ شهری بدل می شود و همچنین برداشت ناصحیح از نقش نیروهای سرکوبگر، این شوراهای بدو تشکیل خود کلاً

به فعالیت علنی پرداختند. دوره آرامش نسبی که بعد از اوج حملات اولیه پیش آمد یورش و سرکوب ارگانهای حکومتی به شوراهای اداری داشت. پاسداران به بهانه وجود چند کمونیست در شوراها به آنها یورش بردند. در این میان توده ها که هنوز بطور کامل شکل نیافته و بشکل ارگانیکی در سورا دغام نگشته بودند مقاومت و پیشتیبانی لازم را انجام ندادند. در نتیجه شوراهایی که نیروهای

اپورتونیست "کمیته مرکزی" در آن نفوذ داشتند آمادگی خود را برای حرکت در زیر پرچم سپاه پاسداران اعلام داشتند و شوراهای دیگر در آن شکل موجود منحل اعلام شد. نکته قابل توجه اینکه پاسداران مطرح کردند ما هر کسی را برای جنگیدن نمی پذیریم بلکه بعد از تحقیق در مورد افراد فقط آنهایی را که صالح تشخیص دهیم می توانند در زیر فرماندهی ما به مبارزه با عراق بپردازند.

خرمشهر در خرمشهر وضع به گونه دیگری بود جنگ بسیار بسرعت آغاز شد و بشدت هر چه تمامتر ادامه یافت به این جهت نیروهای مترقی فرصت لازم برای انجام فعالیت وسیع تبلیغی و بسیج توده ها در موقعیت پیش از جنگ را نداشتند در نتیجه با سازماندهی نیروهای موجود وارد عمل شدند (البته در پیروسی جنگ توده های که در آن شرکت دارند سازمان داده شدند اما تذکر این نکته بخاطر روشن شدن ویژگی خرمشهر و تفاوت بیرونی شده در آن با شهرهای دیگر چون آبادان و اهواز است). بعطت این شکل از عمل، یورش پاسداران و نیروهای سرکوبگر دولتی به این نیروها با مقاومت مردم و پیشتیبانی توده های مواجه نشد. از جمله پاسداران تعدادی از رفقای هوادار سازمان را دستگیر کردند (این مسئله مربوط به هفته اول جنگ است و شکل عمل پس از ورود نیروهای متجاوز عراقی به شهر تفاوت نمود) آبادان.

شرایط در آبادان به شکل دیگری بود. میتوان گفت در هفته های اول در آبادان شرایط نیمه جنگی بشکل مداوم حاکم بود بدین صورت که شهر مداوماً مورد حمله خمپاره ها و بمباران نیروهای عراقی قرار داشت در عین حال که درگیری رود رود با نیروهای عراقی بوجود نیامده بود. وجود این شرایط باعث شد که شوراهای دفاع محلی در آبادان بصورتی سریع شکل بگیرد. فعالیت بدون وقفه نیروهای مترقی توانست توده ها را بسرعت در شوراها بسیج نماید. از اعمال مشخص این شوراها تهیه و جمع آوری دارو - امداد اولیه - تهیه کوکتل و سه راهی - حفر سنگر و سنگر بندی بود. مثلاً سنگرهای به عمق یکمتر و طول چندین متر حفر شده بود که در مواقع خطر توده ها در آن پناه گرفته و روی آنها با کتسه های شن و خاک پوشیده می گشت و بدینوسیله خطر خمپاره و بمب به حداقل می رسید. این سنگرها بعطت وضعیت مناسب خود به محل اجتماع و بحث بسیار بر شوری بدل گشت. نیروهای مترقی در مورد شیوه برخورد با جنگ به شکل فعالی در میان توده ها تبلیغ نمودند از جمله فعالیت های شوراها برقراری کتیک های منظم در محلات و همچنین شناسائی خانه های خالی بود تا در صورت لزوم از آذوقه و وسایل موجود در آنها استفاده شود (از این شناسائی ها نتیجه جالبی که بدست آمد این بود که اکثریت فالاتهایی که تا قبل از جنگ به مبارزه با نیروهای مترقی بر می خواستند در اولین روزهای جنگ شهر را ترک نموده اند).

از سوی دیگر توده ها در برخورد با تجربیات عملی بسرعت توهومات خود نسبت به حاکمیت را از دست داده اند. دیگر دروغهای رادیو تلویزیون در مورد

## استقلال - کار - مسکن - آزادی

## تشکیل ستاد تبلیغاتی شورای دفاع ملی گامی دیگر در تشدید اختناق و سانسور

جزدروغ چیز دیگری نشنیده اند. در همین گذرگاهها با بسیاری از واقعیتها آشنا شدند. در همین گذرگاهها، در اتوبوس، در تاکسی، در محیط کار، در میانه صفهای طویل سیگار و گوشت و تخم مرغ و... ماهیت امیرانتظامها، محققینها و... برای تودهها افشا میشد. در همین مکانهاست که هموطنان ما با خبر میشوند که در شرایطی که مردم بی دفاع در زیر سیاران رژیم ضد خلقی عراق جان خود را از دست میدهند، شهرها و روستاهای کردستان نیز توسط رژیم جمهوری اسلامی همچنان بمباران میشود. بدین ترتیب اگر تودهها بخواهند برای هموطنان خود حقایق را بازگو کنند شایعه پرداز میشوند و باید مجازات شوند. اگر مردم بر اساس عدم اعتماد و سرخوردگی شان از رژیم شهرهای جنگزده را ترک میکنند و اخبار آن دهن به دهن میگردند آنگاه رژیم میگوید "مردم گوش نکنید اینها شایعه است" ولی بعد از مدتی تحت فشار واقعیت و برای اینکه از قافله عقب نماند میگوید "مردم شهرها را تظلم نکنید" و حین است که سادروغ بر بازبهای خود میخواهد مردم را از حقایق دورنگه دارد و با تشکیل ستاد تبلیغاتی شورای عالی دفاع به سبانه جنگ و کنترل اخبار جنگی، اختناق و سانسور را بطور کامل با حراد را آورد و این جزه را سانسور آنگاه شدن تودههای محروم و زحمتکش میهمان خبر دیگری نیست.

مهم بردار دو سیاست تبلیغاتی اش را متمرکز کند. اول دستش باز تر شده و دامنه اختناق و سانسور را از طریق رادیو، تلویزیون و حتی مطبوعات حامی رژیم وسیع تر کرده است تا این هدف که تودهها فقط به اخباری دسترسی داشته باشند که دست بخت خود این میان سرمایه و دشمنان تودههای محروم و زحمتکش باشد. زیرا که آنگاه شدن محرومان و زحمتکش رنگ خطر است برای آنان تا باینکه برای حکومتشان را لرزان کنند.

هیئت حاکمه از مدتها پیش از بخشش ثمرات گروهها و سازمانهای انقلابی جلوگیری میکرد و بخی کنندگان آنرا زندان میفرستاد زیرا که آنها به مردم توضیح میدادند که چرا دولت رژیم جمهوری اسلامی از سرمایه داران دفاع میکند و چرا کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشها هنوز هم باید کار کنند و نمره کار آنها را یک مشت سرمایه دار حساب برسد و هر روز زندگی برایشان سخت تر شود.

حاکمیت برای تکمیل اینگونه سیاستهای اختناق خود شیوه های دیگری بر سر گرفتند از جمله اینکه "شایعه پردازان را اساساً دستگیر کنند" و حتی ستاد مرکزی را با سانسور در یک اطلاعیه رسمی تکرار کرد "شایعه پردازان افکار عمومی را وسیله شایعه پراکنی در سطح شهر و جمع بنمورد در گذرگاهها از مسیر اصلی منحرف میکنند". ولی مردم که تشنه حقیقت هستند و از رسانه های گروهی

توده های محروم و زحمتکش میهمان هم چنان با رستخیزتر، گران و بی خانمانی را سردوش میکنند و جنگ ایران و عراق نیز سبانه دیگری است تا رژیم جمهوری اسلامی این فشارهای روزمره سردوش زحمتکش را بیشتر کند. اکنون با ادامه جنگ، حاکمیت از آگاه شدن و شکل توده غادر هراس است و از گرفتن حقایق با آنها سر باز میزند و آنها را فریب میدهد و ذهنشان را از واقعیتاتی که در جامعه ما میگذرد به انحراف میکشاند. سعی خود را میکند تا سیاست تبلیغاتی اش را متمرکز کرده و اختناق و سانسور را گسترش دهد و همچنان زحمتکشان میهمان را درسی خبری و ناگامی نگهدارد. بر این اساس شورای عالی دفاع که در خلال جنگ سه بدولتهای ایران و عراق تشکیل شد یکی از اولیست اقداماتش تشکیل ستاد تبلیغاتی شورای عالی دفاع بود. این ستاد در یکی از اطلاعیه های خود که در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۵ مهر ماه انتشار یافت اهداف خود را چنین توضیح میدهد: "ستاد تبلیغاتی شورای عالی دفاع کار خود را در سطح و احداث تبلیغات رادیویی، تبلیغات تلویزیونی، تبلیغات مطبوعاتی و تبلیغات بین المللی آغاز کرده است". این ترتیب رژیم از فرصت طلایی جنگ با عراق استفاده نموده و بدینوسیله میخواهد وقایع و اخباری را که در جامعه میگذرد از زیر ذره بین ستاد تبلیغاتی شورای عالی دفاع بگذراند. اگر رژیم جمهوری اسلامی شامل از این سوانحه سودناک امر

## چرا دولت شوراهای واقعی محلی را ممنوع اعلام کرد؟

است در برابر سودجویی سرمایه داران و محترکین، چرا که سیاست حاکم بر این ارگانها و هر شکل واقعی دقیقاً در جهت منافع تودهها و رفع نیازمندیهای توده های و در تقابل با قدرت سرمایه قرار دارد. و درست به همین دلایل است که این عالیجنابان سعی دارند با چنین استدلالی، با بهره گیری از احساسات وطن پرستانه تودهها و در زیر پوشش مکتب و اسلام، مبارزات تودهها را از مسیر واقعی منحرف و از تشکیل تشکلهای توده های مانع بعمل آورند.

اما دولت جمهوری اسلامی نیز دم از شورامیزند، اما نه شورائی انقلابی بلکه شورائی تهی از مضمون و محتوای انقلابی، اکنون که مسئله تشکیل شوراهای محلی مجدداً مطرح شده، این شوراهار تحت کنترل مساجد که به مثابه یک نهاد دولتی اعمال سیاست می کنند، در آوردن از همین روست که در پایتخت اطلاعیه اش آن شوراهائی که تحت نظارت روحانیون و معتمدین محل است را از موارد مندرج در این اطلاعیه مستثنی میدانند و می نویسند: "در خاتمه متذکر میشود که همیاری مردم در توزیع عادلانه مواد ضروری در مرحله تحت نظارت روحانیون و معتمدین محل از شمول این اطلاعیه مستثنی است" دولت جمهوری اسلامی، از آنجا که از یک سو بهر حال بر اثر مبارزات انقلابی تودهها با مسئله شوراهای مواجه گردیده و از دیگر سو از آنجا که نه مدافع

شکل گرفته و خارج از کنترل دولت جمهوری اسلامی، به جوش و خروش حاکم برجسته و احساسات ناسیونالیستی تودهها توسل جست و در مقام سرکوب و نابودی شوراهای تودهها دست. بطوریکه در اطلاعیه صادره از سوی وزارت کشور در این رابطه می نویسد: "در این هنگام که ملت مبارز و قهرمان ایران دلیرانه سرگرم جهاد و دفاع از انقلاب مقدس کشور عزیز اسلامی عزیز ما است، گروهی بدون توجه به ضوابط و مسئولیتهای محوله دست به اقدامات غیرقانونی زد و با بخش اعلامیه های با عناوین مجهول الهویه مردم را به تشکیل شوراهای محلی و ستادهای بسیج و خودمات شهری دعوت می کنند. چه اسناد لال منطقی! چون ملت قهرمان ایران سرگرم جهاد و دفاع از انقلاب مقدس و کشور اسلامی است، پس تشکیل شوراهای و ستادهای خدماتی توده های غیرقانونی است.

مگر نه اینکه شوراهای توده های مسلح بهترین و عالی ترین شکل نهاد تدافعی در برابر نیروهای تجاوزگراست، مگر نه اینکه شوراهای واقعی محلی بهترین ارگانی است که در جهت رفع نیازمندیهای توده های زحمتکش خصوصاً در زمان جنگ و کمبود مواد غذایی و امور رفاهی تودهها عمل می کند، و مگر نه اینکه تشکل تودهها ضامن پیروزی ستمکشان ستمگران است؟ ولی حقیقت اینست که هیئت حاکمه دقیقاً از وجود همین ارگانها در هراس است. چرا که چنین تشکلهائی می تواند نظارت و کنترل معینی را بر نحوه توزیع و انجام خدمات داشته باشد و سودی

جمهوری اسلامی هر استاک از تبدیل شوراهای ارگان مقاومت توده های در زمان جنگ و وحشتزده از دورنمای تشکلهای توده های مسلح، یکبار دیگر شوراهای برخاسته از بطن مبارزات تودهها را با صدور اطلاعیه ای از سوی وزارت کشور ۵۹/۸/۵ غیرقانونی اعلام کرد. صدور چنین اطلاعیه ای از جانب دولت مدافع سرمایه داران دور از انتظار نبود.

سران جمهوری اسلامی، از آنجا که وجود شوراهای اساساً مانعی در برابر تثبیت قدرت اقتصادی-سیاسی دولت سرمایه داری میدانند و از آنجا که خود مدافع و حافظ مالکیت خصوصی اند، هر نهاد توده ای را در تضاد بنیادی با بقا و خویشتن دید و سعی میکنند. از این روز همان آغاز، شوراهای خود جوش تکمیل یافته در جریان قیام، همچون کمیته های اعتصاب، تشکلهای توده های محلی را یک بیک نابود و یا از مضمون تهی ساخت، و غلبه شوراهای کارگری در کارخانهها، علیه شوراهای ترکمن صحرا و شوراهای دهقانی در روستاهای دیگر به مثابه نهاد های توده های و نتیجه منطقی مبارزات تودهها که تحت رهبری نیروهای انقلابی بعد از قیام شکل گرفتند. دست به تهاجمات گسترده ای زد.

دولت جمهوری اسلامی اگر در گذشته عوام فریبانه و بانگه بر ناآگاهی و توهم تودهها، غیرقانونی بودن اعتصاب و تحصن را از طریق شورای انقلاب به تصویب رساند و اعتصاب کنندگان و متحصنین را ضد انقلاب خواند، اینبار برای غیرقانونی کردن شوراهای محلی و ستادهای خدماتی مستقلاً



# ورشکستگی "کمیته مرکزی" و اقدام انقلابی "جناح چپ"

از بخش و تبلیغ نظریات مخالف، سرپوش نهادن بر اختلافات درونی و هدایت زیرکانه همزوران به تشکیلات بسوی حزب توده، بارزترین خصیصت "کمیته مرکزی" در مناسبات درون تشکیلاتی است. آنان همینکه شکست کامل نظری خود را توسط مخالفین استشمام می نمودند، دست بکار انواع برزخ تبلیغاتی منفی علیه مخالفین میزدند. آنها با اینکه در مواردی بر کارانهها نحرافات و اشتباهات خود اعتراف می کردند و وعده اصلاح را میدادند، مخفیانه به دسته بندی پرداخته و سعی میکردند با انواع بهانهها به توطئه چینی پرداخته و موقعیت تشکیلاتی رفقای را که با نظریات راست روانه آنان مخالفت می نمودند، کاملاً تغییر داد و مانع شکل گیری نظرات مخالف شوند.

اما همما اینها، تنها ورشکستگی سیاسی و عطفی "کمیته مرکزی" را نشان میدهد. سفسطه های آشکار دروغ پردازی های آنان در این باره که اختلافات اساسی مادر رابطه با مهمترین مسائل مربوط به مبارزات طبقاتی و انقلاب، اختلاف بر سر "خط و مشی گذشته" است، اکنون با اقدام انقلابی "جناح چپ" در انتشار علنی نقطه نظرات خویش، نقش بر آب شده است. آن حیلها، اکنون دیگر نمی تواند کار ساز باشد. "کمیته مرکزی" دیگر قادر نیست تحت بهانه "برخورد با گذشته"، آموزشهای مارکس انگلس و لنین را با روح اپورتونیزم دساز کند. ما مطمئنیم که آنها موفق نخواهند شد ۲۸ مرداد دیگری را تکرار کنند.

اقدام رفقای "جناح چپ" در انتشار علنی نقطه نظرات خویش گام دیگریست در جهت افشای چهره واقعی اپورتونیزم راست و تقویت جنبش کمونیستی ایران. ما، ضمن پشتیبانی و تأیید این اقدام بهمنسوان اقدامی انقلابی وظیفه خود میدانیم ضمن تاکید بر مبارزه اپورتونیزم علنی با تمام قوا در جهت ایجاد زمینه های لازم برای وحدت با "جناح چپ" و کلیه نیروهای جنبش کمونیستی و اتحاد نیروهای انقلابی گام برداریم.

خود را در کلیه عرصه های مبارزات طبقاتی، بظهور رسانده است. اپورتونیزم بلوغ یافته، و در حقیقت سیاست کنونی آنان در برخورد با جنبش طبقه کارگر، جنبش دمکراتیک دهقانان و مساله ارضی، مساله ملی خلقهای تحت ستم و مسئله جنگ دامنه سیاست تسلیم طلبانه آنان در برابر حکومت کنونی است. هر اندازه که آنها در سیاست عمومی خود نسبت به حاکمیت راه سازش را در پیش گرفتند بهمان میزان نیز در وجه مختلف فعالیت و در جنبه های گوناگون مبارزات طبقاتی به تطبیق فعالیت تبلیغی و ترویجی خود با سیاستها و شعارهای حاکمیت پرداخته اند. در ابتدای کار، انگیزه آنان برای تبدیل شدن به یک جریان علنی موجب آن شد که نسبت به سیاست های سازمان پس از قیام ابراز ندامت و پشیمانی کنند و اکنون جنگ ایران و عراق موجب آن شده است که بالکل هرگونه مخالفت جدی با حاکمیت را کنار نهاد و بجای شعار "استقلال، کار، مسکن آزادی" به تبلیغ شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" بپردازند. پنج ماه پیش، "خط راست" هنوز شرایط را برای طرح و تبلیغ چنین شماری بعنوان شعار محوری و اصلی که جوهر سیاست آنان را بیان میکند، آماده و مهیا نمی دید. برای اینکار "کمیته مرکزی" باید انرژی فراوانی برای ترویج ایده های اپورتونیستی خود در اشکال مختلف و گمراه کننده و فریبکارانه صرف میکرد. تازمینه های لازم را برای پیشبرد علنی ایده های خود به روزرسانی و رفرمیستی خود فراهم آورد.

اما اکنون در بنیاد روشنی دیده می شود که "کمیته مرکزی" چگونه در ادامه موضع گیریهای که در آن زمان می نمود، امروز کاملاً در موضع حزب توده قرار گرفته و فاقد هر نوع خط و مرز سیاسی-ایدئولوژیک با آن است. از سوی دیگر مساله عدم درک اصولی "کمیته مرکزی" از مبارزه ایدئولوژیک و کوشش آنان برای پیشبرد نظرات خویش بعنوان نظرات کل تشکیلات که امروز رفقای "جناح چپ" بدان تاکید می کنند چیزیست که ما قبلاً در نوشته های خود بارها آنرا به همواران متذکر شده بودیم. جلوگیری

در حدود پنج ماه پیش، وقتی که ما با انتشار بهانه های، موضع اپورتونیستی "کمیته مرکزی" را افشا نمود و موصوف خود را از آنان جدا کردیم، تاکید خاصی بر روی دو محور اساسی که نقش تعیین کننده ای را در حرکت ما ایفاء میکردند، داشتیم. اول آنکه چرخش مراست و سر قهرانی "کمیته مرکزی" در مبارزه سیاسی، بان درجه ای رسید ماست که امکان ادامه موضع موجود را از ما سلب کرده و مسئولیت مان در قبال جنبش طبقه کارگر و توده ها ایجاب می نمود که بطور جدی در مقابل سیاستهای حاکم بر تشکیلات ایستادگی کنیم. دوم آنکه اقدامات ضد دمکراتیک آنان مانند تنگ نظری یک صاحبکار خرده تولید کننده، آنچنان مناسباتی را در درون تشکیلات ایجاد نمود ماست که زمینه هرگونه برخورد سازنده و سالم سیاسی-ایدئولوژیک، انتقال صحیح نقطه نظرات و دیدگاههای مختلف و سازماندهی و پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک با برنامه و از روی نظم را ناممکن ساخته است.

در آنروزها برخی از مخالفین از روی حسن نیت و صداقت چنین دلایلی را عراق آمیز دانستند. امروز اینگونه قضاوتها را پیش بینی نمیکردیم. اما برایمان محرز بود و ایمان داشتیم که گذشت زمان و سپری شدن یک دوره حکومت مدتها از تحولات سیاسی و اجتماعی نشان خواهد داد که قضاوت این قبیل رفقا تنها از روی "حسن نیت" و بی اطلاعی آنان از وضعیت درونی تشکیلات و فقدان دید روشن نسبت به آینده نظریات و دیدگاه سیاسی-ایدئولوژیک "کمیته مرکزی" است.

ادامه سریع تغییر مواضع "کمیته مرکزی" در جریان تحولات سیاسی جامعه، (که با چنین سرعتی برای کمتر کسی قابل تصور و پیش بینی بود) از یکسو، و اقدام اخیر "جناح چپ" و دلایلی که این رفقا در انتشار علنی مواضع خویش بیان کرده اند از سوی دیگر بظهور اثبات میکنند که ما آن زمان بهیچوجه در مورد "کمیته مرکزی" مبالغه نکردیم. اکنون چرخش اساسی و استراتژیک آنان در زمینه شیوه برخورد با "حاکمیت"، بازتاب همه جانبه

## ورشش جمعی در مدارس به اخراج منجر میشود!

حرکت ضد دمکراتیک مدیر، صدوده نقران دانش آموزان مدرسه تحصن کرده میگویند با ما راهم اخراج کنید و یاد دوستانمان راهم ب مدرسه بازگردانید. برانشر اتحاد و مقاومت جمعی دانش آموزان مدیر محبوس به عقب نشینی شده و از اخراج دانش آموزان خودداری میکند.

● متعاقب درگیری ها که دانش آموزان دبیرستان شرف در مورد ورزش جمعی با مدیر دبیرستان داشتند، روز دوازدهم مهر، مدیر دبیرستان، یکی از دانش آموزان را که در آن روز نقش اداره کننده ورزش را داشت بدفتر سرد و ضمن ضرب و شتم، او را تهدید به اخراج کرد. با برداشتن آموزان در اعتراض با این حرکت مدیریشتنها در تحصن دادند. این تحصن و فشار محصلین متحد و مبارز مانع اخراج دانش آموزان از شد و تحصن بعد از چهار ساعت و با خروج آن دانش آموزان از دفتر دبیرستان پایان گرفت.

دستور اخراج، چهار نفر از دانش آموزان را اما در کردار ما دانش آموزان در راهروها و جلوفدتر جمع شده و با اتحاد و مقاومت یکپارچه خود، مانع اجرای این دستور میشوند. مدیر اقدام به زدن دانش آموزان میکنند که با اعتراض جمعی محصلین روبرو میشود. شمارهای دانش آموزان در فضای دبیرستان میباید چیده که: "شورا خواست هر دانش آموز"، "تعطیلی مدارس توسط آمریکا است"، "اخراج دانش آموز توهین به خون شهداست".

● در روز هفدهم مهر دانش آموزان دبیرستان نظر ما درت به ورزش جمعی صحکاهی میکنند که با نظم از اینکار جلوگیری میکند. به ها به عمل با نظم اعتراض کرده و عللاً را میپرسند، با نظم میگوید "شما تعهد داده اید" دانش آموزان میگویند ما تعهد نداده ایم که ورزش نکنیم. بعد از تلاش فراوانی که دانش آموزان برای کسب اجازه ثانوی برای انجام ورزش صحکاهی از مدیر و روسای ناحیه میکنند مدیر تصمیم به اخراج ۱۲ نفر از دانش آموزان میگیرد. در مقابل این

با شروع سال تحصیلی جدید که همزمان با آغاز جنگ تحمیلی و غیرعادالتهای عراق و ایران بود، ورزش جمعی دانش آموزان که در سالگرد روحیه انقلابی و مسازاتی دانش آموزان بسیار مؤثر بود، در بسیاری از مدارس بصورت یک "مساله" درآمد و در چندین مورد به اخراج دانش آموزان آگاه و مبارز و حتی انحلال مدرسه منجر شد. اما در تمام موارد دانش آموزان مبارز و آگاه که در پیرویه قیام رشد آگاهی خود و حق خواهی شان را با شرکت فعال در جنبش توده ای با ثبات رسانده بودند، همک نیز در جهت حفظ حقوق دمکراتیک خود، در مقابل حرکات ارتجاعی مسئولین مقاومت میکنند، با اتحاد و همبستگی و اقداماتی نظیر تحصن و افشای گری و پافشاری روی حق خود، اقدامات ارتجاعی و انحصار طلبانه مسئولین آموزشی را خنثی کردند.

● در دبیرستان هدف شماره سه، مدیر دبیرستان با ورزش جمعی دانش آموزان مخالفت کرد و بعد سال سخنرانی یکی از دانش آموزان در رابطه با همین مساله،



## تعاونی در جمهوری اسلامی راه حل ...

بعده از صفحه ۸  
رغبتی نشان نمی دهند، زیرا به تخصصها  
نیاز دارند و با به روحیه خطرپذیری  
محتاج است که در نظام آموزشی قبلی و فعلی  
محال پرورش آنها نبوده! و به این  
ترتیب بعضی مسئولان انتظار دارند،  
که سهامداران این شرکتها با اولس  
شکست فاجعه هرگونه تهور و شجاعت و کار  
"تولیدی" را بخوانند.

نزدیک به ۲۰ درصد از شیبه شرکتها  
تعاونی در زمینه صنایع کار می کنند،  
اما مقصود از صنعت چیست؟ موزانیک  
سازی، آجر پزی، جوراب بافی،  
تربیکوبافی، تولید پوشاک بچسبه و  
شلوار نوزاد و تولید بخاری، دفترچه  
سازی و غیره طبیعی است که با این  
سرما به های پراکنده و تلیل و بسا  
تکنولوژی کنونی نباید انتظار  
داشت که تعاونی به سراغ تولید مثلاً  
تراکتور و کمباین برون دولی مسئولان  
مملکتی را چه کنیم که مدعیند تعاونی  
ها در راه رفیع وابستگی و ایحاد  
استقلال و غیره گام برمی دارند؟  
چاره ای نیست که این موسسات کوچک  
به تولید مواد مصرفی و وسایل  
مبهره زندگی با از خارج وارد می شده و با  
اهمیت جندانی ندارد و در هر حال  
تقسیم کار تحمیلی از سوی نظام  
امپریالیستی جهانی را تداوم بخشند.  
از نظر جغرافیائی خوبست بدانیم  
که طرح تعاونی های صنفی درست در  
همان مناطقی مطرح شده که صنعتی تر  
از بقیه مناطق هستند و مطابق روال  
نیلی در استانهای جون سیستان  
و بلوچستان و لرستان، اکثریاً حتی  
تمام موسسات در زمینه کشاورزی و  
دامداری مشغول هستند و این هم  
خلاف انتظار نیست، زیرا برای  
ایجاد و گسترش صنایع (حتی صنایع  
مصرفی) باید حداقل زیربنای صنعتی  
فراهم باشد که در این گونه مناطق چنین  
نیست. و از شرکتها تعاونی "فارغ  
از استنمار و خدمتگزار" که تنها  
در دربار غلبه سود با بد در فکر سود و  
تا مین معاش عایله خود باشند، نباید  
انتظار داشت که در مناطق محروم تقبل  
خطر کنند!!

بعده موسسات تعاونی تشکیل شده  
یا در شرف تشکیل در زمینه های خدماتی  
و عمرانی کار می کنند، یعنی مورمقاطعه  
کاری کوچک محلی را که با بنا موسسات  
بزرگ مقاطعه می کردند، اجرا می کنند  
و به این ترتیب راه حل به شرقی و نه  
غربی تعاونی ها در جاه سرما به داری  
وابسته می افتد و نه از تخصص استفاده

می کنند و نه از مزایای تولید بزرگ. در  
همین قبیل موسسات هم ماشین آلات و  
لوازم کار، مصالح و غیره کمبالات و گران  
و عموماً وارداتی و با قیمت های گزاف  
(مونتاز) است و از طریق تجارت دلال -  
سرما به خارجی و سرما به داری وابسته  
تا مین می گردد. البته این تقسیم  
طرحهای بزرگ به طرحهای کوچک،  
علاوه بر ارضای بعضی تحصیل کردگان  
شاید بتواند چشم طبیعی توده ها  
نسبت به مقاطعه کاران بزرگ را - از  
میان بردارد، اما مسلم است که  
جوابگوی انبوه خواسته های توده های  
زحمتکش نتواند بود و برای اجرای  
سودآورترین آنها باید با دیگر بر سه  
سراغ مقاطعه کاران سرما به بزرگ  
رفت، چنان که هم اکنون می روند. و  
چاره ای جز این در سرما به داری وابسته  
یافت نمی شود!

خلاصه کنیم: اگر معدودی از این  
شرکتها بتوانند موفق شوند، بسا

تبعیت از قانون حرکت سرما به (البته،  
سرما به ارزان دولتی که از قبیل درآمد  
نفت و حالا که درآمد نفت نیست، از حیطه  
مردم تهیدست) سوداندوزی می کنند و  
دیبا زود به سرما به بزرگ تبدیل  
می شوند، بسیاری از آنها و باال کردن  
دولت ورشکسته می شوند. مشکل اشتغال  
هم از میان نمی رود. تمرکز صنایع در  
قطب های محدود موجود تشدید می شود.  
وابستگی در صورت مختلف خود تشدید  
می شود، زیرا موسسات وابسته تقویت  
می گردند. نیازهای عمومی نیز برآورده  
نمی شود، زیرا اصولاً آنجا که سرما به سود  
این دو بار غا در حرکتند، نیاز مردم  
محلی از اعراب ندارد. و بدین گونه دیر  
یا زود کاخ مقوائی او هام علاتمندان به  
سرما به های متوسط کوچک فرو میریزد  
اینست امروز و فردای تعاونی های  
که در نظام سرما به داری، بر اساس راه  
نه شرقی - و نه غربی بدید می آیند و این  
درس تاریخ است.

جدول اطلاعات تعاونی های تولید در ۳۱ تیر ۱۳۵۹ (۱)

نام استان	تعداد شرکت	تعداد سهامدار	موضوع شرکت	
			کشاورزی و دامداری	صنعتی
گیلان	۲۰۰	۵۰۰۰ (۴)	(۲۰۰) (۳)	
کرمان	۲۰۵	۲۰۰۰	۱۴۸	۵۷
آذربایجان شرقی	۹۱	۹۱۰	۵۱	۲۵
" غربی	۴۱	۴۴۰	۱۸	۲۳ (۴)
خراسان	۵۰	۷۰۰	۲۵	۱۰
زنجان	۵۲	۵۹۷	۴۱	۱۱
سیستان و بلوچستان	۲۰	۳۰۰	۲۰	۰
لرستان	۵۲	۵۰۰	?	?
مازندران	۵۰	۵۰۰	۵۰	-
سمنان	۷۷	۹۵۵	(۱۴)	۱۹
همدان	۴۳	۳۰۰	?	?

- توضیحات (۱) - این جدول بر اساس اطلاعات مندرج در کیهان ۳۱ تیر ۵۹ و سایر منابع است و شامل تمام استانها نیست و علاوه بر این اکنون ارقام باید بالاتر از این باشد.
- (۲) - بیشتر این اشخاص در جنگلداری گیلان کار می کنند، و ارتباطی با تعاونیهایی تولید ندارند.
- (۳) - ارقام داخل پرانتز دقیق نیست.
- (۴) - ارقام به علامت سؤال، مشکوک هستند و یا نشانه این که جمع ارقام سه ستون با رقم کل تطبیق ندارد.

# زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



## اخبار شهرهای جنگ زده

بقیه از صفحه ۱۲

تا کنید، میگویند، "برگردید، گشته می شوید." غروب فرامی رسد، مردم همچنان در بیابان ره میسپزند، دو میک در بالای سر مردم ظاهر می شوند، انتهای یکی از این دو میک آتش گرفت، همه هراسناک و سراسیمه خود را روی زمین می اندازند. میک آتش گرفته بمب های ایش را کمی آن طرف ترمی ریزد، ولحظاتی بعد در انظار خسته و نگران مسافران پیاده، کویری بر زمینی می خورد و آتش می گیرد. میک دیگر چرخ میزند و دور می شود. دوباره مردم بلند می شوند اما حال نگران تر از پیش راه دور دراز را در می نوردند.

### ● آبان ۵۹ اهواز

اهواز : از صبح زود شلیک توپخانه عراق به سوی اهواز آغاز میشود، و در ساعت های بعدی خانه های دریاغ شیخ، اتومبیلی در خیابان "شاپور"، سازمان آب و برق و دو خانه مورد اصابت بمباران و خشمه، خشمه های عراقی واقع شدند که چند تن کشته و زخمی نتیجه این حمله مزدوران بود. به بیمارستان نکورش نیز در این روز دو بمباران اصابت کرد. یک فانتوم ایرانی ساعت ۸:۳۰ صبح در ۵ کیلومتری صنایع فولاد، که لحظاتی قبل مورد اصابت آتشبارهای ضد هوایی عراقی ها قرار گرفته بود، سقوط کرد. محله "کمپلو" خالی از سکنه است. شهر اهواز از هفته های پیش، از هنگام انفجار انبار مهمات و گسترش حملات توپخانه ای عراقی ها، روبه تخریب شدن از ساکنانش است. اما چهره ای ظاهری شهر هنوز به سان آبادان، سوت و کور و خلوت نیست.

در خیابان سی متری و چهار راه نادری تردد مردم برای تامین بعضی ما محتاج خود، جوش و خروشی امیدوار کننده دارد، اما شلوغی "چهارشهر" و دیگر دروازه های خروجی شهر، و همچنین کامیونهای برائات خانه و خانواده هایی که در بیدریدنیال کامیونی برای حمل اثاث خود می گردند، چکا پتاز آن دارد که این جوش و خروش اندک هم دیری نمی پاید و حاشی را - اگر حملات عراقی ها شدید تر شود و مردم احساس عدم امنیت کنند و مسلح نباشند - به خمودگی و سوت و کوری بدهد. توده ها خیلی سریع و طبیعی در برابر ماهیت ارتجاعی این جنگ، عکس العمل نشان دادند. ترک شهر و دیار از طرف توده ها بیانگری اعتمادی آنها و عدم احساس امنیتشان بخاطر مسلح نبودن خودشان است.

مردم از بابت جنگ نگران و ناراضی اند، رادیو تلویزیون و دولت رادیو فکومی دانند، به ارتش اعتمادی ندارند و دائم می پرسند: "پس این

ارتش چه کار می کند؟" چند روزی است که "بسج" صبح ها، نیروهایش را در خیابان ها می دواند، مردی که ناظر دویدن و شمار دادن بسیجی ها بود می گفت: "تنها این کارها فایده ندارد، باید همه اسلحه داشته باشند، اینطوری بدون اسلحه هر چند هم که باشند گشته می شوند و کاری هم از پیش نمی برند."

این روزها در اهواز خبرگیری از مردم مشکل شده است. از هر کی پیرسی "امروز کجا را زدند"، به گونه ای محافظه کارانه و مردد، اظهار بی اطلاعی می کنند، زیرا تصور می کنند که سؤال کننده "ستون پنجمی" باشد و یا خودش برای سؤال کننده "ستون پنجم" قلمداد شود. سپاه افراد مشکوک را بلافاصله دستگیر می کند.

### ● آبان ۵۹ آبادان

آبادان : نیروهای ارتش ضد خلقی عراق در بیابانهای مشرف به ایستگاه ۱۲ و ۷ با توپ و تانک موضع گرفته اند و بنا دوربین به وضوح از پاسگاه بهمنشیر به چشم می آیند. ظاهراً نیروی زرهی زیادی است، اما در برابر، نیروهای ایرانی ظاهراً فاقد کمترین تجهیزات زرهی و سنگین هستند. فقط گروهی پاسداروارتشی و بسیجی و... مسلح در ایستگاه "هفت" و ایستگاه ۱۲ با سلاحهای سنگین موضع گرفته اند.

روز قبل یک واحد پیاده از طریق ایستگاه ۷ شروع به پیش روی می کند. طبق گفته های درجه دار ژاندارم - پاسگاه بهمنشیر و بطور کلی تمام می پرسنل این پاسگاه عملیات دیروز، شنبه ۴ آبان بخوبی می توانست پیش رود و عراقی ها تا آنسوی کارون عقب رانده شوند، اما بدلیل نرسیدن پشتیبانی زرهی و هوایی نه تنها عملیات ناموفق ماند بلکه عده ای زیاد از سربازان و پاسداران کشته و زخمی شدند. سربازان و درجه دارانی که از عملیات ناموفق روز قبل سخن می گفتند جملگی تاسف و افسردگی عمیق داشتند و نسبت به همه "بالائی ها" ابراز انزجار و تنفر می نمودند.

### خبرهایی از کرمانشاه

بر اثر بمباران قصر شیرین توسط ارتش ضد خلقی عراق، مردم این شهر که بابت خالی در برابر تانک و توپ عراقی ها قرار گرفته بودند و هیئت حاکمه نیز به هیچ وجه در فکر مسلح کردن آنها نبود راهی جز ترک شهر و پناهنده شدن آنها به مجبور به کوچ شده به دهات اطراف رفتند، گروهی نیز به کرمانشاه رفتند و در پادگان و چند مدرسه سکونت گزیدند. اما افالانزها و حامیان پاسداران که حتی در جنگ و شرایطی چنین بحرانی نیز حاضر نیستند دست از حرکات فاشیستی و ضد خلقی خود بردارند به آنها حمله کرده و با بی حرمتی و فحش و ضرب و شتم آنها را از این مناطق اخراج کردند، مردم به استان داری رفتند اما باز هم با حزب لاهی پاسداران روبرو شدند.

مردم آواره از شهر خود که با تمام وجود نفرت از جنگی چنین تحمیلی و غیر عادلانه را حس می کردند به هتل "سروش" رفتند و انجمن اشغال کردند. این بار یکی دیگر از حامیان سرمایه داران یعنی

رئیس شهر بانی به هتل آمد و مردم را تهدید کرد که آنجا را خالی کنند، و در نتیجه مقاومت، کار به مشاجره کشید و رئیس شهر بانی لگد و دستهاش را به مردم زد و به خصوص زنها و بچه ها پرداخت. خشم مردم فزونی گرفت، به او حمله کردند و او بسختی خود را از زیر ضربات مشت و لگد این مردم خشمگین بیرون کشید و گریخت. اما چند ساعت بعد عده ای از بازاری ها و سرمایه داران همراه افالانزها و پاسداران خود، به هتل ریختند و دوباره مردم را زیر ضرب گرفتند و سرانجام آنها را از هتل بیرون کردند. در حال حاضر کوچ کرده های قصر شیرین در خانه های نیمه تمام و بی در و پنجره در شهرک های آناهیتا و سراب نیلوفر، بسر می برند و مدام نیز تهدید میشوند که باید اینجا را نیز تخلیه کنند.

### کرمانشاه

در ساعت یازده و بیست دقیقه روز پنجشنبه ۲۴/۷ دوفروند میگ عراقی به شهر کرمانشاه حمله کرده و نقاط زیر را بمباران کردند.

### ۱- دبستان رشیدی

این دبستان که واقع در فقیرترین محل کرمانشاه (منطقه جعفرآباد) است نزدیک به ۳۵ نفر دانش آموز خردسال داشت که اکثر ابرائو انفجار را کت و بمب های تخریبی بطور فجیعی به هلاکت رسیدند (گزارش دهند به همراه چند نفر دیگر ۶۸ جسد را از گوشه ای از زیر تله های خاک بیرون کشیده بود). ۲- کلینیک بهداشتی نزدیک دبستان رشیدی قسمتی از ساختمان مزبور خراب و چند نفر خدمه کلینیک زخمی شدند. چند خانه در کوچه اطراف بهداشتی نیز ویران شد و ۲ نفر کشته شدند.

۳- دبیرستان انقلاب (شاپور سابق) و انبار بزرگ روبروی دبیرستان و چند ساختمان اطراف ویران شد و تعدادی کشته و زخمی شدند.

۴- مغازه های اطراف سینما ایران و مسجد جامع شهر بمب به وسط خیابان می خورد و چند ماشین بسا سر نشینان آن یکپارچه آتش می شوند ضمناً چند نفر لباس فروش و عا برین کنار خیابان اکثر کشته میشوند. (یک رفیق که بکمک مصدومین شتافته بود خود در یک نقطه ۸ جسد را در آمبولانس جا داده بود). در این حمله مغازه های دو طرف آن قسمت از خیابان ویران و در مسجد نیز سوراخ سوراخ و کنده شده بود.

۵- میدان آزادی و ساختمان چهار طبقه دانشکده پزشکی. بیشتر از نیمی از ساختمان مزبور با خاک یکسان و تعدادی از کارمندان کشته شدند بیش از ۲ نفر از میوه فروشها و کارگران زحمتکش که در نزدیکی این ساختمان و دور میدان مشغول کاسبی بودند بر اثر ریزش آوار و ترکش های بمب کشته شدند. ضمهادر اثر اصابت بمب رانند ۷ نفر از مسافری آن که در آن لحظه از آن نقطه عبور میکردند قطعه قطعه شدند. قطعات دست و پا و سر جدا شده، که در زمین میدان افتاده بود نمایش گز بیش از ۵ نفر کشته بود.

بعد از این حمله مردم زیادی برای کمک جمع شدند اما پاسداران شروع به تیراندازی هوایی کردند، مردم در حالیکه با خشم و کینه فحش میدادند به طرف آنها حمله ور شدند. چند جوان پاسدار را زدند، جوانی می گفت (دو دولت ضد خلقی بجان هم افتاده اند و مردم زحمتکش دو کشور باید قطعه قطعه شوند). دیگری می گفت: (الان هم رها می نمی کنند، چند بچه ریشوا اسلحه ها را به مردم می کشند و آنها را می ترسانند) یک جوان می گفت: اسلحه ها را بشت

سر خلبانهای گذارند و بزور مجبورشان می کنند تا بروند شهرهای مسکونی عراق را بکوبند آنها هم می آیند و تلافی می کنند، در این هنگام یک ژاندارم میج دست جوان را گرفت و فریاد زد: (تو شایعه پراکنی می کنی) همه مردم جمع شده و اعتراض کردند آنها که از این حمله و جسیان هم دوران عراقی و جنگ تحمیلی دو دولت خشمگین و برانگیخته بودند بر سر پاسداران ریختند و دو خورد در گرفت و پاسدارها به سختی زخمی و خونین به طرف ماشین خود دویدند و فرار کردند.

## اخبار شهرهای جنگ زده

سید از صفحه ۱۵

جند من مرتبه ، مسجد سلیمان را مورد حمله هوایی قرار دادند که بر اثر آن جند من در محله های چهارشنبه کنه و زخمی شدند . همچنین در اسرار و کارخانجات بانک ساری بمباران شد و خساراتی به بار آمد .

### ● اول آبان اهواز

از ساعت ۹:۳۰ صبح جنگ با آنستن توپخانه های طرفین در ناحیه جنگلگان بالا گرفت و تا حدود ۱۲ ظهر ادامه داشت . انبار تیر و سطل و راه آهن برای چندمین بار توسط هواپیما های شکاری عراقی بمباران شد و جند من کشته شدند . منطقه اما سه ، خشان و کومیلو ، تقریباً خالی از سکنه است زیرا اسن محلات مدام مورد هدف توپخانه های عراق است ، صدای انفجار در نقاط دیگر شهر بطور مرتب به گوش می رسد . حدود چهار بعد از ظهر گلوله های توب به حسینیه اعظم اصابت می کند که ۲ تن کشته و ۷ تن دیگر زخمی می شوند . در همین حال ، توب های "خمسه ، خمسه" عراقی بر حیابان نظامی ، چهار راه و کیلی فرود آمدند که بر اثر انفجار آنها ، یک تن کشته و جند من زخمی شدند ، روز بعد دو تن از زخمی ها نیز شهید شدند ، متعاقب این حملات ، مردم محلات مزبور ، نقل مکان کردند و محله ها خالی از سکنه شد .

### ● ۲ آبان ۵۹ آبادان

آبادان : امروز از عبور اتومبیل ها از پل ایستگاه ۷ جلوگیری می شود . اما آنها که با دو جرخه و موتور سیکلت و پیاده می خواهند بروند ، می توانند از ایستگاه ۱۵ و با اتوبانق به آنسوئی ت رفته و از آنجا تا نزدیکی دوراهی شادگان که حدود ۲ کیلومتر می شود در بیابان طی کنند . به اداره حمل و نقل پالایشگاه خمپاره اصابت کرد و سه تن از کارگران زخمی شدند . مجدداً منازل مسکونی کوی کارگرد منطقه لامسی ، مورد اصابت خمپاره های عراقی که از آنسوئی شط و از خاک عراق شلیک می شود قرار گرفتند و ۲ تن شهید شدند ، در ساعت ۷/۵ بیژان محل مورد اصابت خمپاره واقع شد و محصلی ۱۷ ساله به شهادت رسید و یک کارگر پالایشگاه پای راست خود را از دست داد .

آری ، در جنگ و در صلح دولتهای سرمایه داری ، این زحمتکشسان و کارگران هستند که بیشترین لطمات و خسارات مالی و جانی را متحمل می شوند . در جنگ تحمیلی دولت های عراق و ایران ، شمار زخمی ها و کشته شده های کارگران و زحمتکشسان و خانواده های شان به مراتب بالاتر از دیگر اقشار و طبقات است . کارگران ساز و پیشروزیادی در جریان آتش سوزی های ناشی از بمباران پالایشگاه

در روزهای نخست جنگ ، با احیای ویرانه های هائی که خاص طغه کارگران است به نهادت رسیدند .

### ● ۲ آبان اهواز

سلیک توپخانه های دو طرف در ساعت ۱۰:۳۰ صبح آغاز شد . کارخانه مورد حمله از آن برداشت . دود بلط آن سوری تا سردک غروب آسمان شهر را پوشانده بود . در ساعت چهار بعد از ظهر خمپاره های در میدان اول کملو و حیابان لشکر فرود آمد اما سبکی آسیبی وارد نکرد . شهر اهواز مدام خلوت و خلوت تر می شود .

### ● مسجد سلیمان

ساعت دوازده و نیم یک فروید مسجد سلیمان را در صحنه های عراقی مسجد سلیمان را به راکت بست . در این بمباران ، یک کارخانه از کار افتاده در "بهبان" یک لوله گاز است . این مکتوب است . آتشی های ضد هوایی نیروهای عراقی سرنگون شد و حطبان آنرا روسا شبان دستگیر کردند .

### ● ۲ آبان ۵۹ اهواز

اهواز : امروز هم توپخانه های ایران و عراق از ساعت ۵ صبح شروع به شلیک کردند . بر اثر انفجار خمپاره بر روی ابتدای پل سفید ، یک خودرو همدم و سرنشینان آن کشته شدند . در بعد ظهر این روز یک میک عراقی قسمت هائی از اهواز را بمباران کرد ، در این بمباران های یک پیرمرد درده زرگان کشته شد . همچنین در خیابان گشتاسب یک تن بر اثر خمپاره مجروح شد . ایستگاه راه آهن - کارون نیز مورد اصابت خمپاره های عراقی قرار گرفت و انفراجان خود را در راه این جنگ تا عادلانه از دست دادند .

### ● آبادان

آبادان : مردم باقیمانده شب بسیار سخت و دلپره آوری را سپری کردند . به جرات میتوان گفت که تا صبح هیچکس نتوانست بخوابد ، هیچگونه حرکتی نبود ، همه در سنگرها ، خانه ها و کوچه ها و خیابانها پناه گرفته بودند . باران خمپاره از آنسوئی اروندرود ، از ایستگاه ۷ و احتمالاً از طرف خر مشهری وقفه از شب تا صبح ادامه داشت چنان شب پر مشقت و نگران کننده ای بر آبادان گذشت که فردایش ، از یاد مهاجرین بنحسو محسوسی مشاهده می شود . تردیدها و دودلی ها برای رفتن و یا ماندن اینکله عزم جزم برای رفتن از آبادان تبدیل شده است ، صف مردان و زنانی که کوله بازی و جمدانی و با ساکی بدست گرفته و با ظرفی آب و غذا به سوی ایستگاههای ۱۵ اروانه است حاکی از وحشت و اضطراب شب گذشته است . به قسمت هائی از شهر حمله می موشکی - از نوع سه متری - شده است ، مانند ، محله "عروسی" که موشکی در وسط کوچه فرود آمده و چند خانه را متلاشی کرده است گفته می شود در این انفجار فقط یک

سر مرد و احتمالاً یک پسر زن زیر آوار کسه نده باشد . ساعت ۱۲ - دو جا در قسمت امداد در دوراهی شادگان ماه شهر که با آبادان ۵۴ کیلومتر فاصله دارد ایجاد شده ، همچنان و تحرک زیاد است . آمولاسی ها مدام از طرف آبادان رجمی و کشته می آورند ، از امروز صبح نیروهای ارتش در کملو متسر ۲۷ - آبادان با سروهای ارتش ضد خط می عراقی که به آبادان نزدیکترند ، درگیر شده اند . از طواغیرا مرحضن سرمی آید که نیروهای عراقی خسارات و تلفات سنگینی برداشته اند ، و عملیات با موفق بوده است . بعد از چند سرباز و درجه دار عراق این روز را به این شرح بیان کردند :

چند روزی بود که یک شب از اهواز با ۱۸ تانک ام ۴۸ و چند توب ۳ صدها نفر در اینجا مستقر شده بودند ، روز پنج شنبه و جمعه شاسائی انجام می شود و صبح شنبه برای عملیات تعیین می کردند . بنی صدر قبل از عملیات به اینجا می آید .

فرماندهی کل این عملیات راهم خود فلاحی بعهده داشته است . سربازان و درجه داران قبل از شروع عملیات اظهار می دارند که باید شبانسی توپخانه و هوایی حتماً باشد ، که فلاحی به همه اطمینان می دهد که شما پیش بروید ، آتش توپخانه و حمایت هوایی حتماً شما را همراهی می کنند . ساعت عملیات فرا می رسد و ۱۸ تانک و نفرات مربوطه پیش روی می کنند ، اما چون هواپیما و آتش توپخانه از آنها پشتیبانی نمی کند ، موفق به پیش روی نمی شوند و متقابلاً نیروهای عراقی با خمپاره و موشک آنها را مورد هدف قرار می دهند که تعداد زیادی تانک های ایرانی و توبهای ۱۰۶ منهدم شده و عده ی زیادی کشته ، زخمی و اسیر می شوند ، و نیروهای ایرانی ناگزیر عقب نشینی کردند .

همه ی درجه داران و سربازانی که از این عملیات جان سالم بدر برده بودند با تاسفی عمیق می گفتند که " این خیانت است ، مثل روز روشن است که این فرماندهان خیانت می کنند ، والا اگر در عملیات دیروزه حرف ها و قول هائی که داده بودند عمل می کردند ، یقیناً ما پیروز می شدیم و می توانستیم دشمن را تا آنطرف کارون عقب برانیم " .

یک رأیننده تانک با خشم و کینه می گفت : " فلاحی خیانت می کند " آنها که با یادر وانه آبادان شوند و خیل کسانی که امروز شهر را ترک می کنند می بایست کیلومترها راه را پیاده طی کنند . سراسر بیابان وسیع ، مملو از پیاده ها و سواره ها است . هر کسی ظرف آب و نان و اندکی لوازم برداشته و به راه زده است . از هر کسی که می پرسی چرا از آبادان خارج شده ای ، وضع آبادان چطور است ؟ فقط یک کلام می گویند ، " وحشتناک " و بلافاصله توصیه می کنند که برگردید که به نفعتان است ، اگر شما بدانید این مردمی که به این سختی دارند از آبادان می آیند شب قبل چه زجری کشیده اند " . و با زهم با صراحت

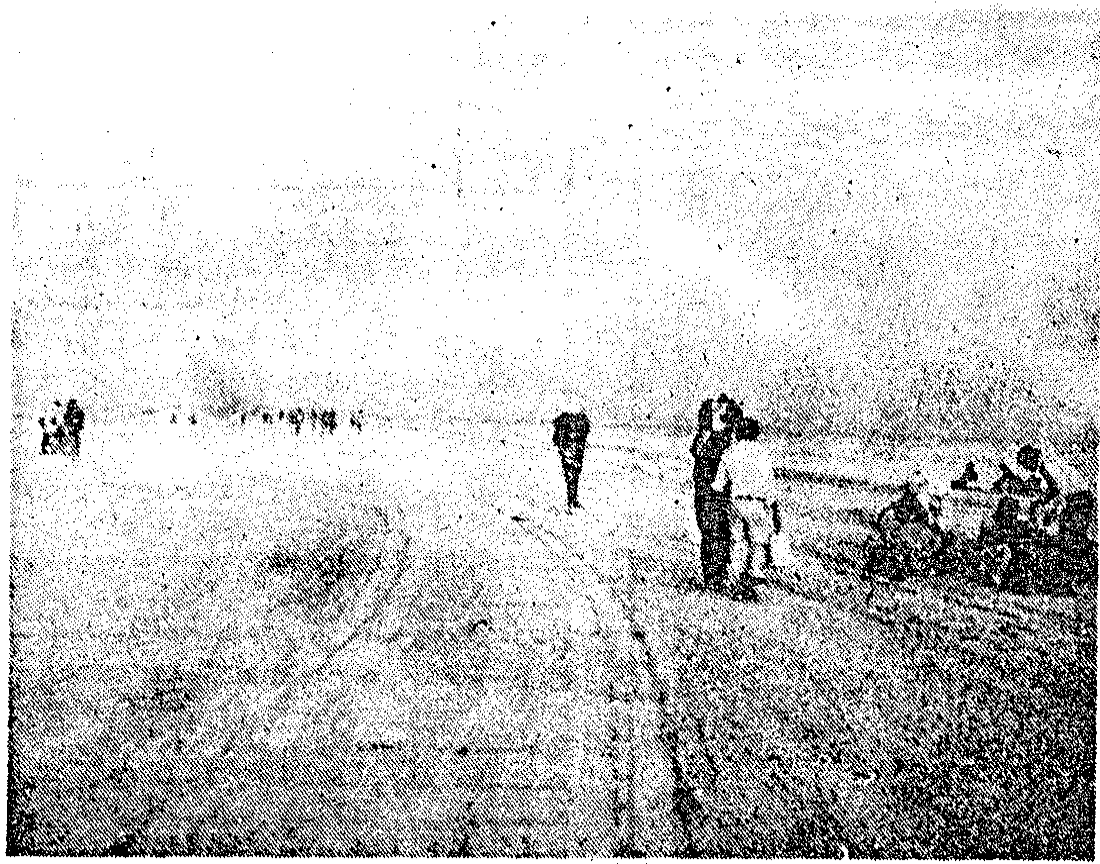
## اخبار شهرهای جنگ زده

بفته از صفحه ۱۶

تن زخمی می‌شوند. دو خانه دیگر نیز با خمپاره و تران می‌شود. اما کسی در آنها نبوده است. تا مین آب و تران و ما. احتیاج و خورد و خوراک برای آنها که مانده اند بسیار مشکل و نوانفرسا است. تران که از مدت‌ها قبل قطع شده، آب هم احرا فقط روزی یکی دو ساعت در لوله‌ها جریان می‌گیرد. مغازه‌ها هم بسته اند و پیدا کردن آذوقه عملاً غیرممکن شده است. بحث بر سر این است که معازنه‌های تعطیل را توسط مقامات محلی صادره کنند. البته تاکنون در چند معازنه توسط اهالی محلها باز شده و آنها با تشکیل کمیسیون و صورت برداری از اجناس، خودبه‌خود فروش و توزیع مواد غذایی و دیگر ما. احتیاج عمومی مبادرت ورزیده اند.

### ● ۳۰ مهر آبادان

صف طولیل اتومبیل‌ها، کامیون‌ها و مینی‌بوس‌ها بی‌کی از روزهای قبل می‌خواستند از شهر خارج شوند در جلوی ایستگاه ۷ مشاهده می‌شود. معمولاً هر چند دقیقه به چند ماشین احتیاج داده می‌شود که از ایستگاه ۷ عبور کنند و وارد جاده فرعی بیابانی شده و به طرف شادگان و ماه شهر بروند. در این حیص و بیصی شلیک توپخانه، عراقی هم ادامه دارد. دختر جوانی در یکی از منازل ایستگاه ۵ بر اثر خمپاره متلاشی شد. روحیه‌ی سربازها، درجه‌داران و نیروهای درگیر در جنگ حسنه و نا امید به نظر می‌آید. همه شان می‌گویند "حرا نیرو نمی‌دهند"، "جراتوب و ناسک نمی‌آورند"، "پس لشکرهایی که می‌گویند می‌آید چرا نمی‌رسد". باز ۳ که نمی‌شود رفت به جنگ توپ و تانک. "جراتو لاتی‌ها به فکر نیستند و همش دروغ می‌گویند". اینها گفته‌های سربازان و درجه‌داران روسا همان حسته و عصبی است که از حربه‌ها می‌آید. البته سپاه ورده‌های پائین ارتش، اظهار می‌دارند که فرماندهان ارتش دارند خیانت می‌کنند. "در این بین، جریان حمله پاسداران به مجاهدین و اعدام یک هوادار" که هیئت مرکزی و سبک هوادار سازمان چریک‌ها "ما هیئت ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی را پس از پیش‌عیان می‌کند. صبح پاسداران به ستاد مقاومت مجاهدین و یکی دو منطقه دیگر حمله کردند و متعاقب آن دو تن از هواداران مجاهدین با گلوله‌ها، پاسداران مجروح شدند. همچنین یکی از هواداران فعال "کمیته مرکزی" بنام (محمود بخور) به غلب حمل سلاح با کزبان، همراه یکی از



ترک شهروندیار، خانه‌کاشانه بخاطر نبودن امنیت، مسلح نبودن در مقابل دشمن و...  
سوم آبان - بیابان‌های اطراف جاده ماه شهر - آبادان

### ● اول آبان ۵۹ آبادان

آبادان: پس از گذراندن شبی نسبتاً آرام، صبح امروز غریب‌ک هواپیما و تیربارهای نیروهای ایرانی به سوی هواپیما نشانه رفتند و شلیک کردند. لحظاتی بعد در منطقه "ترسم" گردو خاکی سرجاست و هنگامی که مردم به محل گردو خاک رسیدند، لاشه‌ی فانتوم متلاشی شده‌ای را دیدند که بر اثر اصابت گلوله‌های ضد هوایی نیروهای خودی سقوط کرده است. از خلبان اس فانتوم خبری نبود. بعد از در احوال اعلام شد که این فانتوم بر اثر نقص فنی سقوط کرده است. متعاقب این حادثه شلیک توپخانه، عراقی‌ها از آن سوی اروندرود شروع شد. در این روز، یک ساختمان سه طبقه در مقابل مسجد صاحب‌الزمان، محل بارکشی اتوبوسهای شرکت واحد، و چند قطعه دیگر تراصافیت خمپاره آسبند برداشتند و عده‌ای سیر زخمی شدند. در این روز جنگ و گریز فانتوم و سینه‌عزازی در آسمان آبادان مردم را به خود جلب می‌کند. به گفته‌ی زاده‌ی اس‌سنگ توسط فانتوم ایران مورد اصابت قرار گرفت و سقوط کرد. در ایستگاه هفت سبزه اتومبیل‌ها و مردم برای رفتن از شهر صف کشیده اند خمپاره‌ای فرود آمد و دو پاسدار کشته شدند.

مسجد سلیمان

حکمت‌های مزدوران عراقی برای

بفته در صفحه ۱۲

هواداران سازمان چریک‌ها (دانشیار) بعثت فعالیت‌های شورائی و امدادگری توسط دادگاه انقلاب اسلامی آبادان اقدام شدند. این خبرها و این حرکات که پیش از همیشه ماهیت هیئت حاکمه را روشن می‌کند. پیش از همیشه نیروهای ما دقتی را که همچنان محکم و استوار در شهرهای جنگ زده مانده و با مزدوران عراقی مقابله می‌کنند، متوجه سازشکاری و خیانت کسانی می‌کنند که حسن حاکمیت را خلقی ملی و مترقی! میدانند. حاکمیتی که در صن جنگ با ارتش عراق، از سرکوب نیروهای انقلابی، به سپاه در تهران و شهرهای دیگر، بلکه حتی در حبه‌های جنگ نیز عاقل نیست.

اینور نویست‌هایی که به کرشمه در مقابل این حاکمیت می‌دارند. با سخ مشخص بدهند که آیا هنوز هم چون پاسدار و فدائی با سدر هم با می‌رسد؟

### ● ۳۰ مهر مسجد سلیمان

در حمله‌ی هوایی میگ‌های عراقی به مسجد سلیمان، بهداری می‌بندم گردید و چندین زخمی شدند.

### ● ۳۰ مهر اهواز

بعد از ظهر همین روز میگ‌های مردوزان عراقی با رهم به اهواز حمله کردند و نیروگاه رامین را هدف قرار دادند که قسمت‌هایی از آن آسبند.

# اخبار شهرهای جنگ زده

● ۲۷ مهر ۵۹

آبادان: امروز نبره همچون روزهای گذشته، شهر زیر خمیاره و راکت ها و خمسه های خمسه های مزدوران عراقی قرار گرفت. در "لین ۸" محله ای احمد آباد دوتن شهید شدند. شش تن از ما موران آتش نشانی نیز در فرودگاه به شهادت رسیدند. راهب های خروجی و ورودی شهر به علت استقرار نیروهای عراقی در نزدیکی های ایستگاه ۱۲ و ۷، بسته است اما خیل خانواده ها و افرادی که از روزهای قبل قصد ترک شهر را داشته اند، هنوز هم از طریق راهب های فرعی، پیاده و سواره شهر را ترک می کنند.

در خرمشهر اوضاع وخیم است. نیروهای عراقی با کشتار وسیع نیروهای ایرانی و با آتش پیوسته تویخانه مناطقی بیشتری از شهر را تصرف در می آورند.

● ۲۸ و ۲۹ مهر ۵۹

آبادان: باز هم آبادان از سمت ایستگاه ۷ و از خاک عراق، آتشی کارون زیر بارش "خمسه، خمسه" قرار گرفته است، شدیدترین ضربات کوی اتحاد وارد می شود.

بعد از ظهر بر منطقه "لامسی" نیز خمیاره های فراوانی فرود می آید. چند خانه ویران و چند تن زخمی شده اند. خبرهای پیشروی مزدوران عراقی در خرمشهر، که به آبادان می رسد، اضطراب و غمزدگی، و تنفر نسبت به جنگ را در آنها که هنوز در شهر باقی مانده اند، به اوج می رساند، همه با نگرانی و باس خرمشهر را پیش خود محسوم می کنند. همه همراه با خمی عیان میگویند "خرمشهر سقوط کرد" - "کار خرمشهر تمام شد". و اینک خرمشهر بخاطر حضور مزدوران عراقی در آن توسط نیروهای ایرانی، کوبیده می شود.

در این روزها مهاجرت از شهر فزونی گرفته و مردم دسته دسته، سواره و پیاده، با بلم و قایق از ایستگاه ۱۵ و ۱۰، و اگر ایستگاه ۷ باز باشد، با روینه رانسته و از شهر خارج می شوند و از طریق بیراهه خود راه جای دیگری که "امن" باشد، می رسانند. گفتنی است که شهرهایی مثل "ماه شهر"، "سربندر"، "شادگان"، "خرم آباد"، اصفهان و شیراز این روزها مملو از آبادانی ها و خرمشهری های بی است که خانه و کاشانه خود را رها کرده و به اینجا آمده اند. این خانواده ها در چادرها و کایمونها و دریا رگها بیتوته می کنند و عده ای نیز توانسته اند در



خانه خرابی، ویرانی، فقر و بیچارگی نتیجه جنگی ناعادلانه بین دولت ها...  
دوم آبان آبادان - "لین عروسی"

آبادان: از آبادان خارج می شدید، با خم و افسردگی می گفتند، "اگر ما مسلح بودیم اگر امنیت داشتیم هرگز شهر و دیار و خانه ما را ول نمی کردیم" این جوانها اعتقاد داشتند که اگر کسانی که شهر را ترک کرده اند، به خاطر نداشتن سلاح مناسب و امنیت و پشتیبانی لازم بوده است و به راستی هم که خیل آدمهای ساک بدست و بار بدوش، که سواره و پیاده در کور و روزیر آفتاب سوزان جنوب و زیر باران خمیاره و رگبار مسلسل میگو، های عراقی در خطی باس آلود و ناگزیرشانه روز، پشت به آبادان می کنند و رو به سوی شهرهای "امن" می گذارند، دلیل مستدل و گواه رنده ای است بر اینکه، این جنگ، جنگی عادلانه و انقلابی نیست و توده ها در آن شرکتی ندارند و چون خود نیز بی سلاح هستند، ترک دیار و خانه و کاشانه می کنند، هنوز شهر زیر آتش مزدوران عراقی قرار دارد "خمسه، خمسه" ها، هر بار سه تا سه تا و به فاصله دو ثانیه نفیر کشان برجائی، خانه های زحمتکشی و یا خیابانی فرود می آیند و مرگ و خرابی بار می آورند. "خمسه، خمسه" همواره در آذهان خورستانی ها به عنوان چیزی دهشتناک و مرگ آور بجای خواهد ماند. کوی کارگزار میدان طب مورد اضا بت خمیاره واقع شده و چند

آبادان: آبارتمانهای خالی سکی گزینند. مردم شهرهای مزبور اغلب با نوعی از بدبینی به مهاجرین می نگرند و حتی در بعضی موارد، دسته های فالانتر و حزب الهی به اذیت و آزار آنها می پردازند که چرا شهر خود را ترک کرده اند و با بدتر گردنند به شهرهای خود.

امافی الواقع زندگی در آبادان بسیار خطرناک و مشکل است. بخش عمده ای خرمشهر هم که عملد در تسلط عراقی ها است، مردم آبادان به این دلیل شهر را رها کرده و می روند، چون کمترین رابطه ای بین خود و این جنگ تحمیلی و غیر عادلانه احساس نمی کنند، و اعتماد و اطمینانی هم به ارتش و سپاه و دیگر نهادهای دولتی ندارند. البته این خواست دولت بعث عراق است که مردم شهرها را تخلیه کنند و دولت جمهوری اسلامی هم با مسلح نکردن، عملد را زمینه ساز چنین وضعیتی شده است. توده هایی که احساس عدم امنیت می کنند و عملاً خود را در برابر ارتش متجاوز و ضد خلقی عراق دست خالی و بی سلاح می بینند، خشمگین و اندوهناک و دردمند، از خانه و کاشانه و شهر و دلبستگی های خود به ناگزیر دل می کنند، تا حداقل جان خود را از بارش بی امان خمیاره و راکت و "خمسه، خمسه" نجات دهند، چند جوان آبادانی که از طریق

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش

شبه در صفحه ۱۵



# سازگرد انقلاب - کیرسوسایستی اکتبرابه پرونتاریای سراسرجهان تبریک میگوئیم



در ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ هنگامی که تمام کارگران روسی از پتروگراد بیروزی رسیدند، انقلاب کیرسوسایستی اکتبر آغاز شد. کمیته نظامی انقلابی شورای نمایندگان کارگران روسیاریان پیامی خطاب به سوده های زحمتکش روسیه فساد که با حملات ربرنایان می پذیرفت "زنده ها با انقلاب کارگران، سربازان و دهقانان

انقلاب کارگران، سربازان و دهقانان آغاز شده بود. انقلاب اکتبر به ما به سر آغاز انقلابات پرولتری و یکی از درخشان ترین نقاط عطف تاریخ جهانی، عصر سوسی را در تاریخ بشریت گشود. انقلاب کیرسوسایستی اکتبر آسمان با سیری زور سرسریست بشریت و توده های زحمتکش سراسر جهان برجای گذارد که نظیر آن را در هیچ انقلابی نتوان سراغ گرفت.

با انقلاب اکتبر حکومتی بدید آمد که نماینده کارگران و توده های زحمتکش بود و در این حکومت، از سرمایه داران و زمینداران و تمام می استعمارگران، مفت خورها، زالوها و انگلهای اجتماع خبری نبود. این حکومت دیکتاتور پرولساریای روسیه، دیکتاتور اکثریت عظیم جامعه علیه اقلیت استعمارگر بود و سورا های انقلابی نمایندگان کارگران و سربازان و دهقانان این حکومت را بیان میکرد.

انقلاب ۱۹۰۵ در قازان تکامل یافته نری بود بنحوی خود انگیخته بدستدار شدند. بمول لندن "توده ها وظایف انقلاب را از تجربه مبارزاتی خود آموختند".

بمحض آغاز انقلاب، کارگران پتروگراد و سایر شهرهای دیگر روسیه یکی پس از دیگری سورا های نمایندگان کارگران و سربازان را تشکیل دادند. بلسوک ها که براهمیت و وظایف سوراها بخوبی آگاهی داشتند نقشی بن فعال در تشکیل این سوراها ایفا نمودند.

در ۲۷ فوریه کمیته مرکزی حزب کارکیرسوسایال دمکرات روسیه (بلشویک) ضمن اعلامیای ار کارگران خواست کند بمنظور اجرای هر چه سریع تر وظایف انقلاب "بلا درنگ" انتخابات را شورای کمیته های انتخاب آغاز کنند. نمایندگان آنها شامل نمایندگان کارگزارانی خواهد شد که سازماندهی جنبش را بمنظور تشکیل یک حکومت موقت انقلابی برعهده خواهد گرفت. بریرا بلشویک ها به رهبری لنین نه تنها سوراها را بعنوان ارگان های انقلاب بلکه همچنین بعنوان نظمه حکومت موقت می دانستند.

رئیسداران، از اندازمها و تمام می عوامل و ایادی تزار سرداختند. بدین طریق اگر انقلاب ۱۹۰۵ سورا های کارگری با سرکوب توده ها پایان پذیرفت، در انقلاب فوریه با سرنگونی تزارها کمیته دیکتاتور بدید آمد.

از یک سو دولت موقت سرکردگی پرولساری و از سوی دیگر سورا های کارگران و سربازان که بعلمت سطح تازیل شکل و آگاهی پرولساریا و نیز انبوه عناصر خرد پرولساریا در جنبش رهبری آن در دست اسارها و مسئولین آنها بود، در حقیقت دیکتاتور پرولساری بنمایندگی حکومت موقت و دیکتاتور دیکر اکتبر انقلابی کارگزاران و دهقانان بنمایندگی سوراها شکل گرفت.

هنگامی که انقلاب فوریه بموقع پیوست، پرولساری روسیه، سرمایه و زحمت زده از جنبش توده ها، دست بکار تشکیل ارگان های قدرت خود دهد. این ارگان کمیته موقت دومای دولتی بود که در ۲۷ فوریه تشکیل شد و کیرسوسایستی این ارگان بخوبی سرکیرسوسایستی جناح دمکرات در این کمیته حبابی گرفتند. ماهیت ضد انقلابی این ارگان از همان آغاز نمودار بود. در اسان این کمیته رودربانگوی سلطنت طلب به عنوان رئیس دومای دولتی قرار گرفته بود. این کمیته بلافاصله اقدامات ضد انقلابی خود را آغاز کرد و نخستین اقدام آن در ۲۸ فوریه دستور اکتیوی بود که به شیروهای انقلابی ارشش داد و میشد و از آنها می خواست که سورا به یادگان های خود بازنگردند و بدستاران دستور داده شد که در پیسلیس بدیدی را بمرحله اجر در آوردند پرولساری که از توده ها و زحمت



بازگشت لنین از فنلاند به مسکو - ۱۹۱۷

داشت. انقلاب را یا میان یافت اعلام می کرد. یا با بلشویک ها از کارگران و نیروهای مسلح انقلابی میخواستند که بدستور کمیته دومی دولتی و یعنی عهد و پیمانها از ترس این شوراها میباید گمان کارگران و سربازان بگیری کنند.

شورای پطروگراد بعنوان ارگانی انقلابی در ۲۸ فوریه تصمیم گرفت که یک میلیی کارگری تشکیل شود. تمام انقلابی را در شهر پتر و گراد شورای پطروگراد کاردهای سرخ را در وزارتخانه ها و مراکز حساس دولتی گماشت.

مناظرات از مراکز حساسی نظیر بانک امن ادارات است و تلگراف و چاپخانه ها بعهده کارگران و سربازان انقلابی گذاشته شد. شورای پطروگراد به شیره های منضت نظامی پطروگراد دستور داد که در تمام واحدهای نظامی کمیته های انتخابی سربازان تشکیل شود و تمام سلاح ها در اختیار این کمیته ها قرار گیرد اما بهر حال از آنجا که احزاب سازشکار این امر و منویک در شورا نقش مسلط داشتند. شورای پطروگراد در اقدامات و تصمیمات خود نا پیگیری بود. اس ارها و منشویک ها که بنا بر وضعیت طبقاتی شان بیین پرولتاریا و بورژوازی در نوسا نبودند سرانجام بعلمت همان موقعیت طبقاتی با بورژوازی کنار آمدند و سازش کردند در اول ماه مارس کمیته موفی دومی دولتی یک کنفرانس مشترک با رهبران اس ارومنسویک شورای پطروگراد تشکیل داد. در اس کنفرانس بویژه مسائله تشکیل یک حکومت جدید مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. آنها بر سر ترکیب حکومت جدید بنوافق رسیدند.

در حکومت جدید پرنس "لووف" یعنی همان کسی که علل از انقلاب ار حائسب تزار برای پست نخست وزیری در نظر گرفته شده بود. در صدر وزیران قرار گرفت. رهبران خرده بورژوازی به منظور تائید گرفتن از شورا برای این حکومت شورار را به تشکیل یک جلسه دعوت کردند و علی رغم مخالفت بلشویکها شورا طرح اس ارها و منشویک ها را در باره توافق با بورژوازی بصوبه رسانند و از مردم خواست که از حکومت موقت پشتیبانی کنند.

خناپت اس ارها و منشویکهای سازشکار به توده های زحمتکش آغازند. آنها سیاست سازش با بورژوازی را در بیین گرفته بودند و با توجه به اعتمادی که توده های زحمتکش بآنها داشتند، از آنها میخواستند که از بورژوازی حمایت کنند. اشوهی توده های نا آگاه که هیچگونه تجربه ای در سیاست نداشتند و از روی خامی و نا آگاهی به منشویک ها و اس ارها اعتماد داشتند چنین تصور میکردند که حکومت موقت قادر است به نیازها و خواست ها و آرزوهای آنها جامه عمل پوشد. لنین در آن هنگام نوشت:

"حالت اعتماد بدین تفکر به سرمایه داران بدترین دشمنان صلح و وسوسه ایسم - مشغله سیاست توده های عوام روسیه در لحظه کنونی است. این شمره ای است که با سرعتی بی نظیر بر خاک اجتماعی و اقتصادی خرده بورژوازی ترین تمام کشورهای اروپا روئیده است"

شکست انقلاب های ۱۸۴۸ و ۱۸۷۱ در فرانسه این تجربه را به منشویک ها آموخته بود که هرگاه توده های زحمتکش شهر و روستا تبدیل به نیروی ذخیره بورژوازی کردند، انقلاب به پیروزی قطعی نخواهد رسید و هم اکنون توده ها در سال بورژوازی کشیده میشوند. طبیعی بود که در چس شرایطی این چنین کمیتهی نتواند خواست های زحمتکش را پاسخ گوید.

بورژوازی مشروطه طلب که در اساس خواهان حفظ نظام سلطنتی بود و مستهای تلاش خود را بکار برده بود تا سلطنت را نجات دهد، هنگامی که زرفسار مبارزه توده ها سوانست این خواست خود را تحقق بخشد جمهوریخواه شد و سهاست سارش و اتحاد خرده بورژوازی را بر گزید با بدین طریق بنواست قدرت خود را مستحکم کند.

بلشویک ها که یگانه سیاست انقلابی را در بیین گرفته بودند سیکیرا نشه ماست صدا انقلابی حکومت موقت و سعی خائنه سازشکاران را افسا کردند. آنها خواهان ادامه داد ما انقلاب بودند و توده ها توضیح میدادند که انقلاب بی پایان نرسیده. سلاح خود را بر زمین نگذارید و انقلاب را ادامه دهید. در اجرای این سیاست انقلابی، آنها شعار تمام قدرت بدست شوراها را مطرح میکردند.

پیگیری بلشویک ها در امر سازماندهی شوراها، کمیته های کارخانه، اتحادیه ها و ایجاد واحدهای مسلح کارگری که برای پیشرفت انقلاب دارای اهمیت قطعی و تعیین کننده بود، به تنهاتر کابکر را در اسرمبارزه بخاطر کب حقیق سیاسی و اقتصادی خودیاری میرساند. بلکه تمام توده ها را در آمطکا که اس حکومت موقت را احزاب سازشکار اسرار

منشویک قرار میداد که مانع اقدامات انقلابی توده ها و با سخگونی به خواستهای آنها بودند. بلشویک ها ضمن تشویق توده ها به عملیات انقلابی، ماهیت سازشکارانه احزاب خرده بورژوا را - صبورانه به توده ها توضیح میدادند.

شکل های توده ای به تشویق بلشویک ها نقشی پر ارزنده در بیبشبرد انقلاب انفا نمودند. باره ای از کمیته های کارخانه، تولید و توزیع را کنترل میکردند. اقدامات فدا انقلابی سرمایه داران را حتی نمودند، مدرسان را عزل کردند و کمیسیون هایی برای کنترل مالی و مدیریت موسسات پدید آوردند، گرچه در شرایط سازش احزاب خرده بورژوا با بورژوازی و در شرایطی که قدرت در دست بورژوازیست کارگران نمی توانستند کنترل کاملی را بر موسسات اعمال کنند اما همین کنترل جزئی نیز دارای جنبه های بسیار مثبت بود و اما دگی و تکامل انقلابی کارگران را سریع کرد. اما حکومت موقت همچنان به اقدامات فدا انقلابی خود ادامه میداد و تمامی اقدامات ضد خلقی خود را، تنهاتر تکای حمایت سران سازشکار خرده بورژوازی که از اعتماد نا آگاهانه توده ها برخوردار بودند پیش میبرد. حکومت موقت ارکان ها و نهاد های رژیم کهن را حفظ کرد. بازار سرکوب توده ها نظیر پلیس، ارتش و بوروکراسی را حفظ کرد و حتی برای فریب توده ها و مقابله جدی تر با آنها دست بد تشکیل با اصطلاح میلیتاری خلق زد.

حکومت موقت همچنان در حال هوا و افسان شورای را در مقام های خود پائی گذاشت و در پارهای مناطی مقامات غیر نظامی را که تزار بر سر کار گمارده بود، نگاهداشت و تشهار پیرشار توده ها



میلشای انقلابی "کیف" در جریان انقلاب کبیرا کتبر

حود را شیب به حکومت موقت از دست نداده بودند. حواشای سرنگوسی آن بودند. بشدت رد کرد. حکومت موقت با یک بحران سیاسی روپرونده بود.

سیاست های ضد خلقی آن پهنای وسیعی از شونده ها را از آن جدا کرده بود. این امر زمینه بسیار مساعدی را برای " اشغال تمام قدرت بدست سوراها " پس آورده بود. اما اسارها و منشویکها همچنان به سیاست های سازشکارانه خود ادامه میدادند و ما تم امر انتقال تمام قدرت بسوراها بودند. آنها از حکومت موقت میخواستند که تنها امتیازاتی به شونده ها بدهد و بمنظور فریب دادن آنها پیروزی قطعی بردسمن را تفسیر کنند.

حکومت موقت نیز طی اطلاعیه ای اعلام داشت که منظور از " پیروزی قطعی بردسمن " صلح یا بیاد راست و اسارها و منشویک ها نیز از مردم خواستند که به خانه های خود باز گردند و بدین طریق حکومت موقت خود را موقتاً از اسار بحران نجات داد. اما علل بحران همچنان بیانی ماند.

پیروزی که با رویدادهای آوریل موقعیت خود را در خطر دیده بود، تصمیم گرفت تا به منظور تقویت موضع خود به فریبی کردن ساره ای از مهره های خود بطبر " گوحکف " رهبر اکبر است ها و " میلیوکف " رهبر مکر است های مشروطه طلب برداخت، آنها را سرکنار نمود و بجای آنها نمایندگان از احزاب اسار و منشویک گماشت تا بدین طریق بر فریب شونده ها سعراید. تا این حکومت ائتلافی اتحاد پیروزی و خرده پیروزی کامل شد. سازشکاران خرده -

سوازی اقتصاد پیشنها دکردند که طبق آئیندگی اقتصادی کشور از طریق برنامه ریزی پیش برده شود و دولت سازماندهی تولید، مبادله، گردش و مصرف را تحت کنترل مستقیم قرار دهد. منشویک ها و اسارها عوام قریباً به اجرای این رقم را از دولت پیروزی طلب می کردند.

حکومت موقت به درخواست و سنه میتوانست مسائلی را که انقلاب مطرح کرده بود حل کند. سیاست های ضد انقلابی حکومت موقت و سازشکاری و فریبکاری احزاب اسار و منشویک بتدریج بر تنوده ها آشکار میشد و آنها در تجربه به عجز گفتار بلشویک ها پی میبردند. در این میان رویدادهای آوریل پیش از پیش در زدودن توهمات شونده ها نقش بسه حاکمیت موثر افتاد.

در روز اول ماه مه (۱۸ آوریل) - بلشویک ها در اعلامیه های خود خواستار ثنویت یکانگی بین المللی زحمتکشان و انتقال تمام قدرت به شوراها و مبارزه علیه جنگ امپریالیستی شدند. نظاً هر کنندگان با سارها نی چون " زنده باد برادری خلقها " و " صلح بدون الحاق و بدون غرامت " به خیابان ها ریختند. اما " میلیوکف " وزیر خارجه حکومت موقت طی اعلامیه ای اعلام کرد که جنگ تا پیروزی بشا تمامه دارد. این امر وسیعاً اعتراض کارگران و سربازانی را که خواستار صلح بودند برانگیخت.

روسه در آسانه یک جنگ داخلی فرار گرفت. پیروزی به شدت به تحریک و توطئه علیه شونده ها و بلشویک ها پرداخت. حزب بلشویک توطئه های پیروزی را خنثی کرد و کمیته مرکزی حزب اقدامات پاره ای از اعضای کمیته بطرو کرداد - حزب بلشویک نظیر " باگدانیف " را که در شرایطی که هنوز توطئه ها بکلی اعتماد

مجبور به برکناری آنها میشد. حکومت موقت برای تقویت موقع سرمایه داران در اقتصاد کمک های متعددی به پیروزی کرد. در همان حال که تازه ای مداخلات دولت را در اقتصاد بدستواند، پیروزی در خدمت بجای نظام سرمایه داری بدست متادیر کلاسی و ام و امتیاز در اختیار سرمایه داران قرار داد تا با اقتصاد بهم کسب سرمایه مان دهد. پیروزی به شیوه های مختلف از جمله بازار سرمایه سودهای کلاسی به جیب میزد.

حکومت موقت حتی تا شون بر بوط بد انحصار غلات را که بر طبق آن تمام غله ما را دیر سهمیه تعیین شده میبایستی به قیمت های ثابت بد دولت فروخته شود. هیچگاه بطور جدی اجرا نکرد. حکومت موقت در بیست ساله ارشی جز فرم های ناچیز کاری نکرد. دهقانان را که بد شیوه های انقلابی دست به مصادره زمین ها میزدند. سرکوب میشدند. نسبت بد مسالدملیت ها موضعی ضد خلقی اتخاذ نمود. از جنبه مختاری فرهنگ خلق مادم میزد و قانون مربوط به " الفبا محدودیت های مذهبی و ملی " تنها مساله تشکیل یک پارلمان ملی را برای اداره امور آموزشی، ادبیات و هنر، برسمیت می شناخت. حکومت موقت در حالیکه با شونده های مسلح و روحیه انقلابی بالای آنها روبرو بود به تاکنیک ها فریبکاری را نه و مانور های سیاسی متوسل میشد و وعده و وعید میداد تا بتواند فرستی بدست آورد و نیروهای سرکوب خود را منجم کند و در لحظه مناسب ضربت قطعی را بر انقلاب وارد آورد. تمامی این سیاست ها که در خدمت نابودی انقلاب بود. عملاً مورد تائید نمایندگان سازشکار خرده - پیروزی قرار می گرفت.



احزاب اسار و منشویک تنها طرح یک کمیسیون دائمی را راه میدادند تا بتوانند سرانجامات حکومت پیروزی تا ضربات و اثرات تحت کنترل قرار دهد. اما در شرایط حکومت پیروزی این کمیسیون حرفی پوچ پیش نبود.

بازترین نمونه خدمتگزاری اسار سازشکار خرده پیروزی در کنفرانس سراسری شورا های نمایندگان کارگران و سربازان روسیه خود نمائی کرد. آنها که در کنفرانس نقش ملط را داشتند. اعلامیه ضد انقلابی ۲۷ مارس حکومت موقت را در باره اهدات جنگ بتصویب رساندند و دست از ادراعمال میاسهای ضد انقلابی و ادامه جنگ امپریالیستی بازگدارند. آنها همچنین هرگونه مصادره انقلابی زمین را توسط دهقانان محکوم کردند. احزاب منشویک و اسار، در حالیکه کنترل کننده جنبش انقلابی بودند. در این کنفرانس طرحی را برای



تظاهرات کارگران در پتروگراد - آوریل ۱۹۱۷

بورژواکوشیدند تا بدین طریق بر توهم نوبه‌ها بیفزایند و آنها را به فرمانبرداری از دولت بورژوازی وادار کنند. آنها حکومت ائتلافی را رادیکال و انقلابی معرفی کردند و در اطلاعیه مشترک خود، برای گول زدن - توده‌های مردم از "صلح بدون الحاق و غرامت"، "کنترل و تنظیم دولت" همه‌خانه "مالیات بندی" سرچمانه بر طبقات دارا و "حمایت همه‌خانه از کار" تمام این قول‌ها در شرایط سازش خورده بورژوازی با بورژوازی - وعده و وعید چیزی نبود. آنها ناراضی‌های جناح راست افراطی را بعنوان دلیلی بر گرایش حکومت بچپ معرفی کردند. اما واقعیت همانگونه که بلشویکها مطرح کردند، این بود که با افزایش تعداد دوزرای نیه اصطلاح سوسیالیست در کابینه - بورژوازی نه تنها حکومت انقلابی تر نشد بلکه احزاب خرده بورژوا - بیش از پیش به منحلای سیاستهای امپریالیستی بورژوازی بزرگ کشیده شدند.

لینن در نوشته‌های متعدد خود که در فاصله بین دو انقلاب نوشته شد، سازش احزاب خورده بورژوازی با بورژوازی و ماهیت ضد انقلابی حکومت موقت را بدرستی شکافت و نشان داد که خرده بورژوازی هنگامیکه با بورژوازی سازش کند، همیشه در مهم‌ترین و قطعی‌ترین مسائل دناله روس بورژوازی خواهد بود و در نهایت گذشته‌های ناچیزی از بورژوازی می‌گیرد.



ژوئیه کرنسکی دستور سرکوب قهرآمیز هرگونه اقدام انقلابی را صادر کرد. هرگونه میتینگ و تظاهرات ممنوع اعلام شد و قدرت دوگانه بیابا رسید. مسئله تدارک برای کسب مسلحانه قدرت در دستور قرار گرفت. قدرت دوگانه بیابا نگر مرحله‌ای انتقالی در تکامل انقلاب بود، یعنی وضعیتی که فراتر از انقلاب بورژوازمکراتیک معمولی بود، اما هنوز به دیکتاتور پروسولتاریا نرسیده بود.

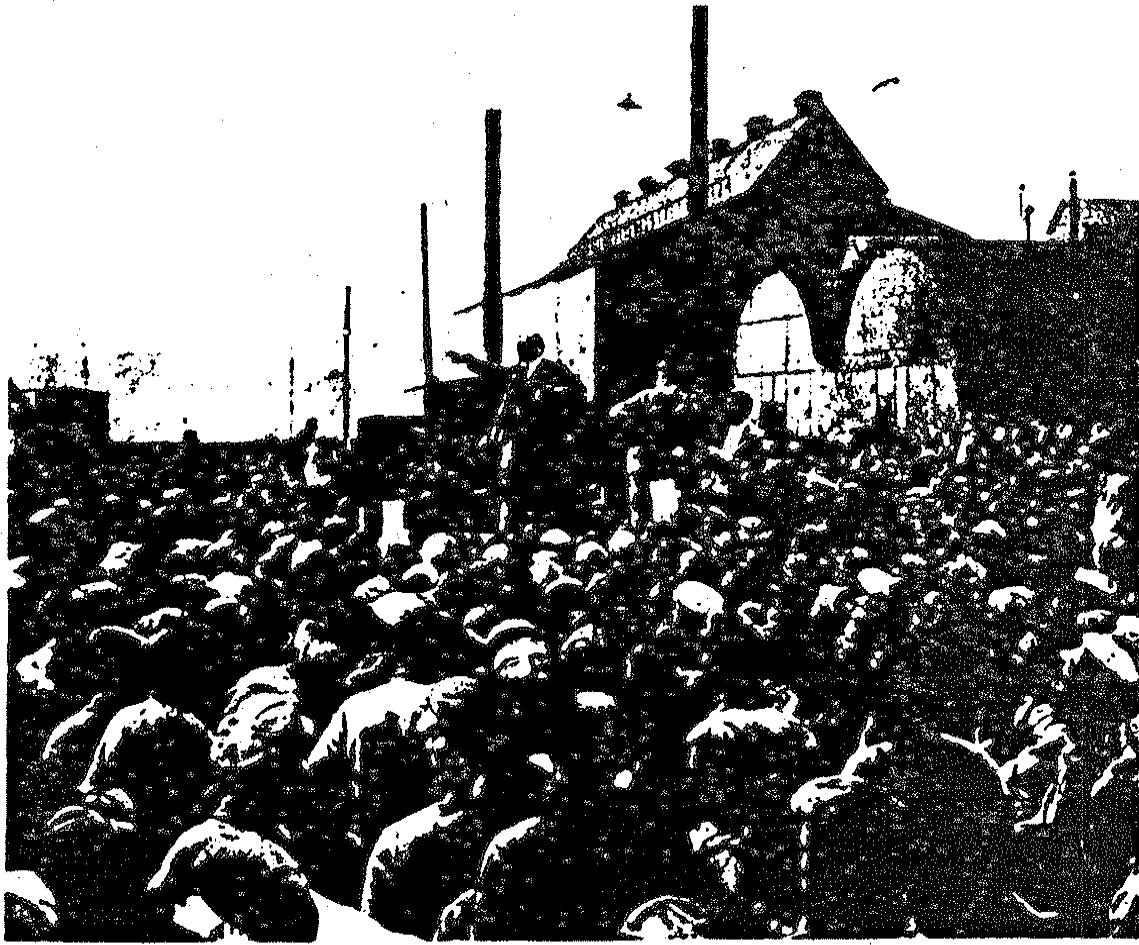
با پایان این مرحله در انقلاب فوریه، بورژوازی کاملاً مسلط شده بود و شوراهای تبدیل به زائیده‌ها توان حکومت موقت شده بودند حزب بلشویک اکنون می‌بایستی کارگران و فقیرترین نشرهای دهقانان را برای کسب قدرت از طریق قیام مسلحانه آماده کند. پس از رویدادهای ژوئیه جنبش بایک افت موقت روپرو شد، اما بزودی بیک جنبش انقلابی تازه فرار رسید، و بیابا مبارزه علیه شورش ضد انقلاب کورنیلف اوج گرفت.



گرچه در شرایط بحران روسیه سازش بورژوازی با احزاب خرده بورژوازی تنها راه حکومت بورژوازی و تأمین منافع آن بود و علی‌رغم اینکه بورژوازی در کابینه ائتلافی کنترل را در دست داشت، اما بورژوازی برای تأمین

هیچیک از اقدامات حکومت ائتلافی نتوانست توده‌ها را آرام کند، مدام بر ناراضی‌های کارگران، دهقانان و سربازان نسبت به حکومت موقت و بریدن آنها از احزاب اسار و بلشویک افزوده می‌شد.

در ژوئیه این ناراضی‌ها به اوج خود رسید، و شدت ناراضی‌های ناشی از ادامه جنگ، رشد بیکاری، افزایش قیمت‌ها و کمبود مواد غذایی مدام گسترش می‌یافت، اما با این وجود هنوز طبقه کارگر در موقعیتی نبود که قدرت را در دست گیرد و آنرا حفظ کند، هنوز توده‌ها بطور کامل آماده نبودند، و بحران بحدی کافی نرسیده بود، بنابراین بلشویکها مخالف اقدامات مسلحانه زودرس بودند. اما شدت ناراضی‌های بحدی بود که بلشویکها قادر نبودند، مانع اقدامات جاد توده‌ها، تا رسیدن شرایط مناسب باشند. بدین جهت آنها تصمیم گرفتند که در تظاهرات شرکت کنند، به تظاهرات حمله سازمان یافته بدهند و آنرا کنترل کنند. حکومت موقت با تأیید احزاب سازشکار دستور حمله مسلحانه به تظاهرات مسالمت آمیز کارگران و سربازان را صادر کرد. سنگر بندی سراسر خیابانها را فرا گرفت، و ضد انقلاب بر حملات خود افزود. حزب بلشویک از توده‌ها خواست که در دام تحریکات بورژوازی گرفتار نشوند و از عملیات خیابانی دست بردارند. حکومت موقت اقدامات ضد انقلابی خود را تشدید کرد. حکومت نظامی در پتروگراد برقرار شد، تعقیب بلشویکها و تعقیب و بازداشت کارگران و سربازان تظاهر کننده آغاز گردید. حکومت ضد انقلابی حکم توقیف لینن را صادر کرد. رویدادهای سوم و چهارم ژوئیه ماهیت واقعی حکومت و احزاب سازشکار را به توده‌ها نشان داد. در ۸



سخنرانی لنین در میتینگ کارگران - پتروگراد

هرچه بیشتر منافع و موجودیت خود و محدودست آوردهای انقلاب و نقابهای دمکراسی که مانعی بر سر راه سیاستهای ضدانقلابی آن محسوب می‌شد، بلکه دیکتاتوری عنان گسیخته‌ای نیاز داشت تا در جهت تامین منافع کامل خود نظم و دیسیپلین را بازگرداند.

کورنیلف این وظیفه را برعهده گرفت و تدارک حمله به انقلاب را آغاز نمود. بلشویک‌های بی‌گرا نه از نوددها خواستند که توطئه کورنیلف را درهم بشکنند. کرنسکی که با کورنیلف علیه انقلاب هم پیمان شده بود، در روز موعود از اقدامات توده‌ها علیه حکومت خود نوحشت افتاد. علاوه بر کورنیلف رقیب خطرناکی میدید، بنا براس از همکاری با او سر باز زد. بلشویک‌ها در این شرایط درست‌ترین سیاست و مناسبترین تاکتیک‌ها را در قبال کرنسکی ضد انقلابی و کورنیلف ضد انقلابی در پیش گرفتند. لنین به حزب بلشویک اخطار کرد که هیچگونه توافقی با منشویک‌ها و اس‌ارها برای دفاع از حکومت موقت بعمل نیاورد، و بدون اینکه ذره‌ای مبارزه خود را علیه کرنسکی تخفیف دهند، ضربت اصلی را به نیروهای کورنیلف وارد آورند. در حقیقت، کرنسکی و کورنیلف هر دو نیروهای ضد انقلابی بودند که اختلاف آنها با یکدیگر بر سر شیوه‌های مبارزه علیه انقلاب بود؟ بلشویک‌ها مبارزه علیه کورنیلف را رهبری کردند و طبقه کارگر و دیگر نیروهای انقلابی تحت رهبری حزب بلشویک توطئه کورنیلف را درهم شکستند. بلشویک‌ها در همان حال ماهیت ضد انقلابی حکومت کرنسکی و سیاستهای آن را که زمینه‌ساز هرگونه توطئه ناپندهای سلطنت طلب بود برای توده‌ها افشا کردند. بلشویک‌ها به توده‌ها توضیح دادند که توتورش کورنیلف و سایر سلطنت طلبان زمانی می‌تواند موفق شود که توده‌ها خلع سلاح شوند، که نیروهای انقلابی سرکوب شوند، دهقانان را با حاطر مضاد ره املاک ملاکس محاراب نمایند و کارگران بخواسته‌های واقعی خود که اداره و کنترل مراکز تولیدی است دست نیابند. توتورش کورنیلف موضوع بی‌ثمر بودن سیاست سازش با بورژوازی را به توده‌ها نشان داد. بلشویک‌ها با شرکت مستقل در مبارزه علیه کورنیلف صفوف توده‌ها را با دور حزب فشرده‌تر کردند، و با سازماندهی توده‌ها علیه کورنیلف، ارتش سیاسی انقلاب سوسیالیستی را تشکیل دادند. بقول لنین:

"شورش کورنیلف و رویدادهای بعدی آن" درس‌های عملی بودند و پیروزی اکثریت را ممکن ساختند."

(سخنرانی در باره جنگ و صلح) اهمیت رویدادهای ژوئیه و شورش کورنیلف در جهت زدوده شدن نوه‌ها و اعتماد توده‌ها به حاکمیت در چیدی بود که لنین هنگام دوره بندی تکامل انقلاب از فوریه تا اکتبر می‌نویسد:

"دوران دوم در برگیرنده شکست ژوئیه و شورش کورنیلف است و فقط از طریق تجربه مبارزه توده‌ای فقط هنگامیکه طبقه کارگر و توده‌های

دهقان با تکیه تجربه خودشان و نه از طریق خطابه و اندرز بی‌برند که سازش خرده بورژوازی بهبود یافته است - فقط از آن پس، پس از تکامل سیاسی طولانی، پس از تغییرات و تدارکات طولانی در حالات و نظرات گروه‌های حزبی، فقط از آن پس انقلاب روسیه وارد سومین مرحله خود می‌شود.

(بخش از دربارها انعقاد قرارداد صلح) پس از شورش کورنیلف، بحران مدام اوج می‌گرفت. در اول سینامبر حکومت موقت امپراطوری روسیه را جمهوری روسیه اعلام کرد و یک هیئت ۵ نفره رهبری تمام امور را در دست گرفت. احزاب منشویک و اس‌ار نیز از پشتیبانی نمودند. هیچ نامی نمی‌توانست مانع رشد بحران نباشد. بحران اقتصادی به سرعت عمیق و گسترش می‌یافت. در چنین شرایطی بورژوازی، تمسبوز سد کردن موج انقلاب اخراج دسته‌جمعی کارگران و بستن کارخانه‌ها را در پیش گرفت و دست به اختکار می‌زد و بدین طریق پیروز هم گسیختگی اعتماد افزود. بورژوازی تصور می‌کرد که با چنین سیاسی قادر است توده‌ها را به زانو در آورده. فضا به سرعت رو به افزایش بود. مزدها به هیچوجه جوابگوی حداقل معیشت کارگران نبود. مدام بر تعداد اعتصابات افزوده می‌شد و کارگران ژرف انقلابی فرا رسید حکومت ضد انقلابی پیش از پیش به سیاست سرکوب متوسل شد، جنس دمکراتیک دهقانان برای زمین با عقیب سوسیالیستی طبقه کارگر برای برانداختن سرمایه‌داری در هم ادغام می‌شد. توده‌ها پیش از پیش به جانب بلشویک‌ها گرایش می‌یافتند. نفوذ بلشویک‌ها در شوراها مدام افزایش می‌یافت. شرایطی پیش آمد که بلشویک‌ها

دوباره شعار "تمام قدرت بدست شوراها را از سر گرفته، اما این بار شعار قدرت بدست شوراها معادل دعوت بقیام بود، مسئله کسب قدرت سیاسی در دستور روز قرار گرفت بحران اوج می‌گرفت و حکومت کرنسکی قادر به کنترل اوضاع نبود، دوباره حکومتی ائتلافی با شرکت دمکرات‌های مشروطه طلب تشکیل شد، اما نمی‌توانست کاری انجام دهد، بورژوازی در فکر تشکیل یک حکومت نظامی بود، بحران در محافل حاکم اوج گرفته بود، موقعیت انقلابی فراهم بود، شرایط برای تمام آماده شده بود، لنین نوشت:

"منتظر ماندن خیانت به انقلاب است" تدارک قیام با سرعت در دستور قرار گرفت، و قیامی سازمان یافته که در ۲۴ اکتبر در پتروگراد آغاز شد در ۲۵ اکتبر با درهم‌گوشیدن نیروهای ضد انقلاب و بازداشت اعضاء حکومت ضد انقلابی به پیروزی رسید. پیروزی قیام‌های مشابهی در مسکو

و سایر روسیه صورت گرفت و طبقه کارگر روسیه در اتحاد با دهقانان فقیر، قدرت را در دست گرفت و شوراها بمثابه شکل دولتی دیکتاتوری پرولتاریا، مقاومت استثمارگران را درهم‌گوشید. دستگاه دولتی کهنه از اساس درهم شکسته شد، و یک دستگاه اداری جدید بشکل سازمان‌های شوروی پدید آمد. حکومت شوروی در مدتی کوتاه به خواسته‌های اساسی توده‌ها حاکم عمل پوشاند، حکومت شوروی تحت رهبری لنین آموزگار کمپرولتاریا، ورهز انقلاب پرولتری روسیه، پیشنهاد صلح عادلانه و دمکراتیک را به تمامی ملت‌های محاراب نمود، مالکیت بر



رهبری دهقانان توسط سربازان و ملاحان انقلابی

در تهیه این مقاله بویزه کتابهای  
"درباره انقلاب سوسیالیستی اکبر" مجموعه  
نوشته‌های لندن  
"بین دو انقلاب" مجموعه نوشته‌های لندن  
در فاصله انقلاب فوریه تا اکتبر و "تاریخچه انقلاب بکبر  
سوسیالیستی اکبر"، از انتشارات پروکرس - مورد  
استفاده قرار گرفته است.

گذار مسالمت آمیز و الطاف سوز زواری  
یعنی دیکتاتوری پرولتاریا، یعنی هم‌مویی  
صف و سیاست مستقل پرولتری نه طبقه،  
کارگر حیات کرده بودند.  
انقلاب کسرسوسیالیستی اکبر را  
نام لندن، رهبران انقلاب و آموزگار  
کسروولتاری‌جهانی برای همیشه  
جاودان خواهد ماند.

زمین را سرانداخت، کنترل کارگری  
پرولتودونورج، کالاهای کنترل ملی  
سربازان را برقرار ساخت و حق ملل  
در عین سربوت خود را سرسخت  
ساخت. حکومت شوروی ملج، تار و  
آرادی را سرای بوده‌ها به ار معان  
آورد و با معده ارش سرمانه داران و  
زهداران و بیامی سروهای استمازتر  
مفت حور و انکل بحاب داد. انقلاب  
اکبر دیکتاتوری واقعی را برای بوده‌ها  
به ار معان آورد و آنها را بر سر نوشت  
خود جا کم کرد. با پیروزی انقلاب کسرس  
سوسیالیستی اکبر که سر آغاز فصل  
نویی در رهائی سربت از قید استعمار،  
سم، وسدگی بود، عظمت واقعی  
اند مارکس، انگلس، لنین و محبت  
بطرات و پیش‌بینی‌های آنها که تا  
تحلیلی علمی احیاء نابدستی  
اضحلال نظام سرمایه داری و سروری  
کمونسیم را به اسباب رساند، بودند،  
ساز داده‌ند.

انقلاب اکبر، محبت اسراتوری  
و با کتیکهای حزب بلشویک و مسی  
انقلابی آنرا تحت رهبری لنین کسرس  
ساز داد. انقلاب اکبر صحت تعالیم  
لنین را در باره پیروزی انقلاب  
پرولتری در یک با چند کشور را  
اسباب رساند.



انقلاب اکبر، لروم قهر انقلابی و  
اعمال دیکتاتوری پرولتاریا را  
بمطور سرکوت مقاومت طبقات  
استمازگر، و درهم شکستن ماشین  
دولتی بورژوازی و استعمار جامعه،  
سوسیالیستی را به اسباب رساند.  
بقول لنین:

"بغایت احمقانه و کاملاً  
انوسائی است، که تصور کنیم گذار  
از سرمایه داری به سوسیالیسم بدون  
تهدید و دیکتاتوری امکان پذیر  
است. نظری مارکس بنحوی مشخصاً  
این باوه گوئی خرده بورژوازی -  
دیکراتیک و آنارشیستی مدتها پیش  
مخالفت کرد و در روسیه ۱۸ - ۱۹۱۷ صحت  
نظری مارکس را در این زمینه بنحو  
بارزانه سید کرد."  
(وطن فوری حکومت شوروی)  
و دو سال پس از انقلاب کسیر اکبر  
نوش:

"تاریخ به نشان داد که بدون قهر  
انقلابی کس پیروزی ممکن نیست.  
بدون قهر انقلابی علیه دشمنان رسوای  
کارگران و دهقانان درهم شکستن  
مقاومت این استمازگران ممکن نیست"  
(سخنرانی در چهارمین کنفرانس  
کمیسونیهای فوق العاده بخش)  
انقلاب اکبر مشت محکم بود بر دهان  
بادهای بورژوازی، رفرمیستهای که  
مارکسیسم را از محتوای انقلابی آن  
سپی کرده بودند، و با دلخوش کردن به



اشغال قصر "لیتوفسکی" در پتروگراد